نامهٔ مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دورهٔ هشتم، سال دوم، شماره ۳۰۲
پنج‌شنبه ۱۶ مرداد ۱۳۵۹، یکشماره ۱۵ ریال

امام، مسئولان جمهوری اسلامی ایران را به وحدت دعوت کرد

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در سخنانی که بمناسبت "روز قدس" ایراد کردند، از جمله، چنین گفتند:

"روز قدس را باید مسلمانها زنده نگهدارند. من کرارا راجع به طمع‌های اسرائیل تنبه داده‌ام که، اسرائیل اینطور نیست که اکتفا کند به آن زمینهائی که غصب کرده است. حالا دیدید که پایتخت خودش را در قدس قرار داده است و تمام این چیزهایی که از آمریکا و از طرفدارهای حقوق بشر و از این محافل و مجالسی که در خارج هست، اینها تمام یک شعرهای غیرموزون است...

الان شما دیدید، که آمریکا با این جوانهای عزیز ما، با این دخترها، با این پسرها، با این دانشجوهای عزیز چه رفتار وحشیانه کرد و آنها چه شجاعتی در مقابل پلیس آمریکا از خودشان دادند و در مقابل همه قدرتهایی که آنجا بود و همه پلیس‌ها و همه دستگاههای انتظامی، اینها با مشت گره کرده ایستادند، تحمل کتک‌ها را کردند، تحمل جنایتهای آمریکا را کردند، لکن از اون مسئله‌ای که پیش آنها مسئله بود، اصلا نگذشتند. مسلمین

بقیه در صفحهٔ ۲

سند وابستگی «قاسملو» به بعث عراق

سندی که کلیشهٔ آنرا بهمراه ترجمه‌اش ملاحظه می‌کنید، نامه‌ای است که عبدالرحمن قاسملو، در تاریخ ۵ اخرداد ماه ۱۳۵۹، برای یکی از مسئولین حزب دمکرات کردستان که رابط میان قاسملو و جنایتکاران بعث عراق است، نوشته است.

چنان که واضح است، قاسملو با خاکساری یک مزدور سرسپرده در قبال اربابش، تمامی تقاضاهای حکام بعث عراق را بجان می‌پذیرد و تمامی شرایط آنها را تقبل می‌کند و فقط در مقابل خواستار آن میشود که فاشیست‌های بعثی، تنها و تنها او و هم‌فکران او را بعنوان عامل خود در ایران به رسمیت بشناسند و تنها و تنها وی را برای توطئه و تحریک علیه جمهوری اسلامی ایران و خلق دلاور کرد مسلح کنند.

بقیه در صفحه ۷

توطئه‌های دولت بعثی عراق علیه انقلاب ایران تشدید میشود

طبق اخبار موثق در ماه اوت (اواخر مرداد ماه و اوایل شهریور ماه) دولت بعثی عراق اقدامات خرابکاری و تحریکات نظامی خود را علیه ایران شدت خواهد داد.

برابر همین اخبار، که در شماره روز سه‌شنبهٔ نامهٔ "مردم"، زیر عنوان "ما هشدار می‌دهیم"، منتشر گردید، عمال بعث عراق تعدادی اتومبیل با نمرهٔ ایرانی را از مرز ایران عبور داده‌اند و به کرکوک و موصل می‌برند. در این دو منطقه جنایتکاران بعثی ماشین‌ها را دقیقا جاسازی می‌کنند و در هریک مقدار زیادی (از ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ پوند) تی.ان.تی. قرار می‌دهند. سپس اشخاصی را برای انتقال این ماشینها به شهرهای مختلف ایران و مکان‌های از پیش تعیین شده، مامور می‌کنند. اشخاصی که این ماشین‌ها را به ایران می‌آورند یا کرد و یا پناهنده‌هایی هستند که دولت بعثی عراق تا به حال از بازگشت آنها به ایران جلوگیری کرده است. این اشخاص به شرط آن‌که اتومبیل‌ها را به مکان‌های مشخصی که عراقی‌ها تعیین می‌کنند برسانند، امکان بازگشت مجدد به ایران را کسب می‌نمایند. به آنها گفته می‌شود که پس از بارک‌کردن اتومبیل‌ها در محل مورد نظر، دو سرنشینی را که به آنها نشان داده‌اند، به هم وصل کنند و سپس اتومبیل را رها سازند و به هر کجا می‌خواهند بروند. تا کنون ۲۰ دستگاه اتومبیل به موصل و کرکوک انتقال یافته است و ظاهرا دو دستگاه از آنها به ایران بازگشت داده شده است، که رد آنها معلوم نیست.

دولت بعثی جنایتکار عراق همهٔ امکانات خود را برای مقابله با انقلاب ایران و براندازی نظام جمهوری اسلامی در کشور ما به کار گرفته است و طرح‌های توطئه و خرابکاری، تجاوز نظامی، اعزام گروه‌های خرابکار و جاسوس به ایران را، با توطئه جدید امپریالیسم امریکا علیه ایران، که پس از کشف توطئه کودتای ۱۸ تیر و دستگیری عاملین آن از جانب دولت کارتر در حال تدارک است، هم‌آهنگ می‌سازد.

تشدید و گسترش درگیری‌های مسلحانه در نواحی مرزی ایران و زیر آتش‌گرفتن مستمر این نواحی از جانب نیروهای مسلح عراق و حمله به پاسگاه‌های مرزی، تمرکز واحدهای بزرگ مکانیزهٔ ارتش عراق در مرزهای ایران، با اقدامات جنایتکارانه عمال بعثی عراق در مورد ربودن اتومبیلهای

بقیه در صفحه ۸

آن‌ها که نهادهای جمهوری اسلامی را بی‌اعتبار می‌خواهند

یورش به دفاتر حزب تودهٔ ایران در شهرستانها ادامه یافته و دبیرخانهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب، و دفتر نامهٔ "مردم"، ارگان مرکزی حزب، در تهران هنوز در اشغال است.

پس از انتشار اعلامیهٔ دادستانی کل کشور (۵

بقیه در صفحهٔ ۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

به پیام وحدت طلبانهٔ امام هرچه زودتر در عمل باید پاسخ داد

جامعه در انتظار تفاهم اصولی و انقلابی

کلام سرشفوذ امام خمینی بار دیگر به وحدت فرا خواند. زیانمندی انقلاب شکن برخوردها، کارشکنی‌ها و مخالفت‌های فردی، شخصی و گروهی، از هر ناحیه‌ای که باشد، با صراحت و با دقت در پیام دیروز امام خاطرنشان گردید.

سخن دیروز امام یک هشدار جدی است به همه اشخاص، همه افراد، همه گروهها. امام هشدار داد که هیچ کس، و هیچ مقامی نباید دیگری را تضعیف کند، نه رئیس جمهور مجلس را، نه مجلس رئیس جمهور را. نه دولت مجلس را، نه مجلس دولت را، نه دولت رئیس جمهور را، نه رئیس جمهور دولت را.

علت روشن است. در این شرایط حساس و سرنوشت ساز برای جمهوری اسلامی ایران، آنچه مطرح است تضعیف یا تقویت انقلاب، تضعیف یا تقویت جمهوری اسلامی ایران است. هرگونه خودپسندی، هرگونه خودمحوربینی، هرگونه فرصت طلبی، هرگونه انحصارطلبی مغایر با وظیفه مبرم و تاخیرناپذیر نجات انقلاب و تقویت جمهوری نوپای ماست.

امام بدرستی توجه را باین نکته جلب کرده است که آمریکا، جهانخوار، این دشمن غدار و آشتی‌ناپذیر انقلاب ایران و خصم خونی "زاغه‌نشینان" ما، که این انقلاب را به ثمر رساندند و "سیلی به آمریکا زدند"، توطئه‌های کودتائی خود را علیه این شخص و آن شخص، این فرد و آن فرد سازمان نمی‌دهد. و

بقیه در صفحه ۷

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

در مراسم روز قدس زیر شعارهای ضدامپریالیستی و ضدصهیونیستی هرچه وسیعتر شرکت کنیم

روز قدس فرصت دیگری است که مردم استقلال‌طلب، آزادیخواه و عدالت‌دوست ایران باردیگر نفرت خود را نسبت به سیاست تجاوزکارانه و غارتگرانه و ضدانسانی امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، و صهیونیسم علیه خلقهای جهان، بویژه خلق عرب فلسطین ابراز دارند و عزم راسخ خود را برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه‌های جنایتکارانه و خائنانهٔ امپریالیسم امریکا و صهیونیسم و ضدانقلاب داخلی آشکار سازند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران، به پیروی از سیاست اصولی و انقلابی خود، از همه رفقا، دوستان و هواداران حزب و تمام مردم استقلال‌طلب، آزادیخواه و عدالت‌دوست ایران می‌طلبد که با شرکت هرچه وسیعتر خود در مراسم روز قدس، اتحاد ضد امپریالیستی خود را نشان دهند و تحکیم کنند.

دبیرخانه کمیته مرکزی
حزب توده ایران
۱۵ مرداد ۱۳۵۹

معرفی هرچه زودتر نخست‌وزیر و تشکیل دولت قانونی جمهوری اسلامی ایران ضرورت مبرم روز است

در لحظه فوق‌العاده حساس کنونی، دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن از یکسو، نوسازی بنیادی همه رشته‌های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی جامعه طبق برنامه انقلابی مشخص و علمی، از سوی دیگر، احتیاج به دستگاه اجرائی انقلابی متمرکز، تنها و هماهنگ دارد. اخبار و اطلاعات موثق، که اغلب بوسیله رسانه‌های گروهی نیز انتشار یافته و مورد تائید مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران نیز هست، حاکی از گسترش روزافزون تدارکات امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، علیه ایران و انقلاب شکوهمند آنست. ضدانقلاب پایگاه‌های خود را در برون کشور، بویژه در منطقه خاورمیانه و نزدیک و حوضه خلیج فارس گسترش میدهد. در درون کشور نیز با دسیسه،

بقیه در صفحهٔ ۲

حجت‌الاسلام احسان بخش:

بی‌هیچ تردیدی پاکستان وابسته به آمریکاست

حجت‌الاسلام صادق احسان‌بخش، که از طرف امام خمینی جهت بررسی وضع سفارتخانه‌های ایران در پاکستان و هندوستان و ... به آن کشورها سفر کرده بود، پس از بازگشت به ایران، در یک گفتگوی اختصاصی با روزنامهٔ صبح گیلان "جنگل"، در پاسخ به این پرسش خبرنگار، که آیا پاکستان وابسته به امریکا و در اختیار اوست، اظهار داشت:

ج: بی‌هیچ تردیدی باید بگویم که پاکستان

بقیه در صفحه ۷

گروهی از دانشجویان رزمندهٔ ایرانی در آمریکا آزاد شدند، ولی مبارزه بر ضد امپریالیسم آمریکا ادامه دارد

مبارزه دانشجویان ایرانی در آمریکا به هواداری از انقلاب درخشان ایران و پشتیبانی از دستاوردهای آن و علیه دسیسه‌های رنگارنگ امپریالیسم آمریکا، متحدان عربی و نوکران سرسپرده و ساواک زده‌اش همچنان ادامه دارد و به نخستین پیروزی برای آنها و روسیاهی برای کاخ سفیدنشینان انجامیده است. آخرین اخبار حاکیست که در حدود دویست تن از دانشجویان ایرانی، که پس از تظاهرات افشاگرانه در برابر کاخ سفید با اعمال ضرب و شتم وحشیانه پلیس و انگشت‌نگاری و به زندانهای نیویورک روانه شده بودند، آزاد گشتند. بدین ترتیب، مقامات امنیتی آمریکا، که برگ ننگین دیگری به کتاب سیاه پلیدکاریهایشان علیه

بقیه در صفحهٔ ۲

اعتراض حزب کمونیست فرانسه به مقامات اسرائیلی

یک هیئت نمایندگی از حزب کمونیست فرانسه، در نامه‌ای که به سفارت اسرائیل در پاریس تسلیم کرد، اعتراض خویش را علیه سرکوب خلق مبارز فلسطین از سوی ارتش اسرائیل ابراز داشت.

کمونیستهای فرانسه در این اعتراضیه "سیاست ماجراجویانه اسرائیل را در سرزمینهای اشغالی عرب در کرانه باختری رود اردن و نوار غزه" تقبیح کردند و "همبستگی کامل حزب کمونیست فرانسه را با مردم فلسطین و تنها نماینده راستین آنها، "سازمان آزادی بخش فلسطین" اعلام کردند.

www.iran-archive.com

آنها که نهادهای...

بقیه از صفحهٔ ۱

مرداد ۱۳۵۹)، انتظار آن بود که اینگونه اقدامات متوقف شود و مرتکبین به مجازات برسند. ولی متاسفانه اینگونه اقدامات ادامه یافت. و در روزهای ۶ و ۸ و ۱۱ مرداد، دفاتر حزب تودهٔ ایران در لنگرود، انزلی و فومن به ترتیب مورد هجوم "اشخاص متفرقه" قرار گرفتند، که انگیزهٔ هجوم کنندگان هرچه باشد، نفس عمل، نقض حرمت نهادهای جمهوری اسلامی، بی‌اعتبار ساختن آنها و بی اعتنایی به قانون اساسی‌واعلامیه‌دادستانی کل کشور است.

در روزهای قبل و بعد از توطئهٔ طبس، قبل و بعد از توطئهٔ ۱۸ تیر، از سوی عناصری که‌ماهیت سازمانی آنها هنوز بر مردم نامعلوم است، هجوم‌به دفاتر و کتابفروشی‌های حزب تودهٔ ایران آغازشد و ادامه یافت. این حملات دقیقا در روزهایی آغاز شده و ادامه یافته است که انقلاب ایران آماج مستقیم تجاوز نظامی و توطئه‌های امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم جهانخوار امریکا، قرارگرفته، دورانی که حراست از دستاوردهای انقلاب وتضمین تداوم آن، بیش از هر وقت دیگر نیاز به یگانگی و وحدت صفوف دارد، ولی در عوض دست‌هایی سعی در پراکندن بذر تشتت و تفرقه می‌کنند. پیوندناـ مرئی این دست‌ها با توطئه‌های امریالیسم رامسکل بتوان انکار کرد، هرچند که این یا آن فرد، اینجا یا آنجا فقط‌به تبع جهل و احساسات کور خود، سر از میان این شعله‌های تخریب وهرج‌ومرج بدرآورده باشد.

با انتشار اعلامیهٔ دادستانی کل کشور که این قبیل اقدامات را "*مخل به امنیت قضایی‌و تضعیف ارکان‌های مملکتی*" و "*مخالف قانون اساسی‌ومصالح عالیه کشور*" نامید، انتظار می‌رفت که این‌گونه ماجراجویی‌ها و هرج و مرج‌طلبی‌های عناصر غیرـ مسئول پایان یابد، که متاسفانه حتی نشد، و نه تنها خانهٔ حزب تودهٔ ایران در تهران پس‌از دو هفته هنوز در اشغال است، بلکه یورش به دفاتر حزب و تخریب و شکستن و بستن ادامه یافته‌است. در اعلامیه دادستان کل آمده بود که:

"*اگر افرادی به این کارها ادامه دهند، تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت.*"

متاسفانه "این کارها" هنوز هم ادامه دارد و هیچ‌یک از مرتکبین مورد بی‌گرد و بازداشت قرار نگرفته‌اند. بی‌عملی مقامات قضایی و اجرایی‌کشور را در برابر مشتی بی‌مسئولیت، که معلوم نیست سرشان به کجا وصل است، و چرا درست سر بزنگاه به سود ضدانقلاب عمل می‌کنند، بچه باید تعبیر کرد؟

به گفتهٔ حجت‌الاسلام خامنه‌ای: "*انقلابی‌بودن با بی‌نظم بودن متفاوت است*". و کسانی که در شرایط بغرنج رویارویی انقلاب با امپریالیسم امریکا بجای آنکه بیامبران وحدت و یگانگی باشند، شیطان تفتین و تفرقه و تشتت‌اند، چگونه و با چه روئی جرات می‌کنند نام انقلابی بر خودگذارند؟

حمله به دفتر مرکزی حزب تودهٔ ایران به اعتراف هادی غفاری، به تحریک او انجام گرفته و ایشان نمایندهٔ مجلس شورای اسلامی است، یعنی پاسدار قانون اساسی و مدعی پیروی از خط امام. اما در حالی که امام می‌گوید:

"*خارجی‌ها می‌خواهند که ما این‌طور باشیم که هیچ نظمی نداشته باشیم و مثل جنگل با هم رفتار کنیم، تا اینکه بهانه بدست آورند.*"

هادی غفاری در جهت مخالف خواست امام، نظم را به هم می‌ریزد، قانون اساسی را زیر پا می‌اندازد و به کمک مشتی چماق‌دار، که نام "جوانان مسلمان جنوب شهر" بر خود نهاده‌اند، آن حزبی را مورد یورش و تخریب قرار می‌دهد، که از صادق‌ترین مدافعان انقلاب است.

این‌گونه اقدامات زشت، نه تنها قانون‌اساسی را نقض و هرج و مرج را جانشین نظم انقلابی می‌ـ کند، بلکه نهادهای جمهوری اسلامی را نیز بی‌حرمت می‌کند. اینان اگر کمترین اعتباری برای این نهادها قائل بودند، پس از انتشار اعلامیهٔ دادستان کل کشور، هجوم و تخریب را متوقف می‌ـ کردند. اینان با این‌گونه اعمال صورت‌گر تصویری از جمهوری اسلامی ایران در اذهان مردم ایران و جهان هستند که مشخصهٔ آن بی‌قانونی، بی‌نظمی و هرج و مرج و آشفتگی است. چنین کسانی، حتی در صورت داشتن حسن نیت، نمی‌توانند در عمل دوستان انقلاب باشند، زیرا که دوست نادانند، و همواره گفته‌اند که: دوست نادان بدتر از دشمن داناست.

آنچه در این میان بر ابهام افزوده، آنست که چرا نهادهای جمهوری و از جمله دادستانی‌کل‌کشور که این "اشخاص متفرقه" اعلامیه‌اش را به هیچ گرفته‌اند، خود برای حفظ حرمت و اعتبار خویش اقدام نمی‌کنند؟ مگر احترام امامزاده با متولی نیست و نباید دادستانی کل کسور خود معتبر بودن اعلامیه‌اش را تضمین کند و نقض کنندگان آن را به کیفر برساند؟

انقلاب ۲۲ بهمن از جمله پیام‌آور آزادی، دموکراسی و همزیستی اندیشه‌هاست. قانون‌اساسی جمهوری اسلامی نیز این وجه از انقلاب را در خود بازتاب داده و تاکید بر آن دارد که هر سازمان سیاسی، مادام که به توطئه علیه جمهوری دست نزده، حق فعالیت آزاد دارد. این گروه نادان بی فرهنگ، این شحنه‌های ترور فکر و عقیده، که آزان‌ها، ماموران کارآگاهی و ساواکی‌های سلسلهٔ پهلوی را در خاطر تداعی می‌کند، باید به محکمهٔ انقلاب سپرده شوند، که وصله‌ای ناجور بر دامان انقلابند. نباید دیگر کسی جرات کند که نظم و نسق انقلاب را به هم بریزد و بر دستها و دهانها دست‌بند و دهان‌بند زند. نباید کسی اجازه یابد که اندیشه‌ها را در قلعه و بارو محبوس خواهد. نباید کسی جرات کند که نیروهای اصیل انقلابی مانند حزب تودهٔ ایران را به بهانه‌های پوچ و اتهامات واهی از فعالیت آزادانه باز دارد.

۱۰ روز از انتشار اعلامیه دادستان کل کشور می‌گذرد و هنوز دفتر حزب ما در اشغال است. ما از مراجع قضایی می‌خواهیم که اشغال‌گران را هرچه زودتر از خانهٔ ما بیرون بریزند و زیان‌های وارده را جبران کنند. ما می‌خواهیم که مقامات اجرایی و قضایی کشور جلوی این بی‌نظمی‌ها و یورش‌های وحشیانه را بگیرند، که بالاترین سود را از این‌گونه اقدامات، ضدانقلاب خواهد برد.

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید‌لغو شود

با اتکا به‌پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم

بقیه از صفحهٔ ۱

معرفی‌هرچه زودتر نخست‌وزیر...

تحریک وخرابکاری، با بهره‌گیری از همه دشواریها وپسماندهای گوناگون رژیم طاغوت، با دامن زدن به‌نارضائیها تلاش دارد زمینه اجتماعی بدست آورد. در چنین شرایط حساس، تاخیردر معرفی نخست‌وزیروتشکیل دولت، که بدرازا کشیده است، بهیچوجه جایز نیست. باید با تبادل نظرها، بحث‌ها وگفتگوها، کشمکش‌ها درباره معرفی نخست‌وزیر وتشکیل دولت پایان داد.

بنظرما برای پایان دادن به‌بحث و گفتگو ومعرفی نخست‌وزیر مبانی لازم‌وجود دارد. کافی است ازذهنی‌گرایی وتمایلات شخصی باگروهی دست‌کشید، مصالح انقلاب وکشوررا مقدم داشت، رهنمودهای رهبر انقلاب، امام خمینی، رادرباره‌چگونگی نخست‌وزیر و وزرا، و همچنین انتقادات آموزنده‌ای که‌پیرامون خطای دولت موقت وانقلابی عمل نکردن آن بیان کردند، اساس‌کارقرارداد.

رهبرانقلاب، که‌احترام به‌قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران واجرای‌دقیق مواد آنرا ضرورمیدانند، صریحا" تذکر داده‌اندکه معرفی‌نخست‌وزیروتشکیل دولت وظیفه مستقیم ریاست جمهوری ومجلس شورای اسلامی است.

مردم رزمنده‌ایران که‌با خون ده‌ها هزارفرزندقهرمان خودانقلاب را به‌پیروزی رسانده‌اندوبارای قاطع خودچنین نهادهای اساسی انقلاب‌چون مجلس شورای‌اسلامی وریاست جمهوری راانتخاب کرده‌اند، بحق ازآنها توقع دارندکه‌با درک حساسیت فوق‌العاده‌لحظه‌کنونی وحس مسئولیت در قبال انقلاب وکشور، انجام این وظیفه مهم خودرا بیش‌ازاین به تعویق نیاندازند.

بقیه از صفحهٔ ۱

گروهی ازدانشجویان...

خواستاران آزادی، حقوق بشرراستین و صلح افزوده‌شد، دربرابرعزم آهنین دانشجویان رزمنده ایرانی سرتسلیم فرودآوردندو گروهی ازآنان را آزاد کردند. امپریالیسم آمریکا نمی‌خواست، که‌چهره‌کریه‌وجنایتکارش، که‌کارتر سالوسانه ومذبوحانه میکوشدتا با هیاهوی "حقوق بشر" خودآن را پنهان نگهدارد، بیش‌ازاین عیان شود.

با اینهمه دانشجویان ایرانی، با اعلام پیگیری خوددرمبارزه بر ضد امپریالیسم آمریکا، نشان داده‌اندکه علیرغم پیروزی حاصله دریک سنگر، لازمست‌که‌بیکارضدامپریالیستی را تا پیروزی نهایی سنگربه سنگرادامه‌داد، زیرا نه‌تنها گروهی‌ازدانشجویان ایرانی مقیم آمریکا هنوزدرسان دیگودرزندان‌های کارتربسرمی‌برند، بلکه‌درکشورهای اروپای‌غربی‌نیز، همدستان امپریالیستی او، به‌پیروی ازمشی رهبر"جهان آزاد"، به‌سرکوب جنبش همبستگی با دانشجویان مبارزایرانی درآمریکا وانقلاب سکوهمندمان دست یازیده‌اند.

برای نمونه، دولت خانم تاچر، سوگلی ارتجاعیون انگلستان و"فرسته" خودـ خوانده "مهددمکراسی"، گروهی از دانشجویان ایرانی را، که‌درتظاهرات مسالمت آمیزدربرابرسفارت آمریکا درلندن، هواداری خویش را ازدوستان‌خود درایالات متحده‌اعلام داشته‌بودند، به استنادیک قانون قرون وسطایی‌و به جرم "سدمعبر"! دستگیرمیکندوتحویل دادگاه میدهد، درحالیکه‌همین کشور، پس‌ازپیروزی ۲۲بهمن، به یکی از امن ترین پناهگاه‌های ضدانقلابیون وساواکی‌های فراری مبدل شده است، که شب و روزعلیه جمهوری اسلامی ایران توطئه می‌چینندواگرهوسیاری نیروهای انقلابی وعزم راسخ مردم کشور مابرای پاسداری ازانقلاب رهایی بخش مانبود، برروی جنازه میلیونها تن از میهن دوستان ایرانی، باردیگربساط چپاول و استثمارخودواربابان "بشر دوست" خویش رابهن می‌کردند.

ما باردیگربه دانشجویان سیکارجوی ایرانی درآمریکا و اروپای غربی درود می‌فرستیم، پیروزیهای بدست‌آمده‌رابه آنها سادباش می‌گوئیم وهمبستگی ببدریغ خودرابا ادامه‌مبارزه ضدامپریالیستی و افشاگرانه سان ابراز می‌داریم.

بقیه از صفحهٔ ۱

امام، مسئولان جمهوری...

بایدازاین جوانها، ازاین جوانهایی که ازایران درخارج هست، چه در انگلستان، چه‌دراروپا وچه‌درآمریکا هست، تنبه پیداکنند، که‌بایدچه‌کرد...

باید این آقایان، همانطوری که مدعی هستند، اسلامی هستیم، واقع‌مطلب اینست‌که بایددرعملشون، درقولشون، درخطابه‌هاشون، درحرفهاشون، درنوشته‌هاشون، درروزنامه‌هاشون نشان بدهند که ما مسلمانیم. این چه‌مسلمانی است که هرروزنامه‌ای که مال یک طایفه است، به طایفه دیگرفحاشی می‌کند. ما چی جواب این مردم رابدیم که‌هی میان، ازمن الان وقت‌خواستندازبازارتهران، که‌بیان بگن این حه‌خبراست، که این آقایون حضونست با هم؟ این آقای رئیس جمهوربا مجلس، مجلس با رئیس جمهور چرا اینطوررفتارمیکنند؟ چرا بایداینطور باسدکه صدای مردم درآد؟ من نصیحت بهشون میکنم. من ازلسان اسلام‌بهشون نصیحت می‌کنم که با هم اختلاف نکنید. شما اگراختلاف بکنید، راه‌را برای دیگران باز میکنید. شما اختلاف با هم‌نداشته باشید. سرچی اختلاف میکنید؟چه میرانی هست، که‌شما میخواهیدقسمت کنیدوسرش اختلاف میکنید؟ این همه مردم‌جوانهاشان رادادند، میراث برای شما گذاشتندکه اختلاف با هم کنیدواینطورنوسرهم‌بزنید واینطورفسادایجادکنید؟ یکقدی با هم رفیق باشید، دوست باشید، برادر باشید...

یک همچین ملتی که‌ما داریم، به‌این صفا، به‌این خوبی، که‌درهمهٔ قضایا پشتیبان دولتشون هستند، پشتیبان رئیس جمهورشون هستند، پشتیبان مجلسشون هستند، حیف است‌که این ملت را ما عواطفشون را جریحه‌دارکنیم‌وما بشینیم با هم‌مخالفت کنیم. نه‌خدا راخوش می‌آید ازاین ونه ملت را. ملت ناراحت است‌از اینکار. روزنامه‌هاتون راجلوش را بگیرید..."

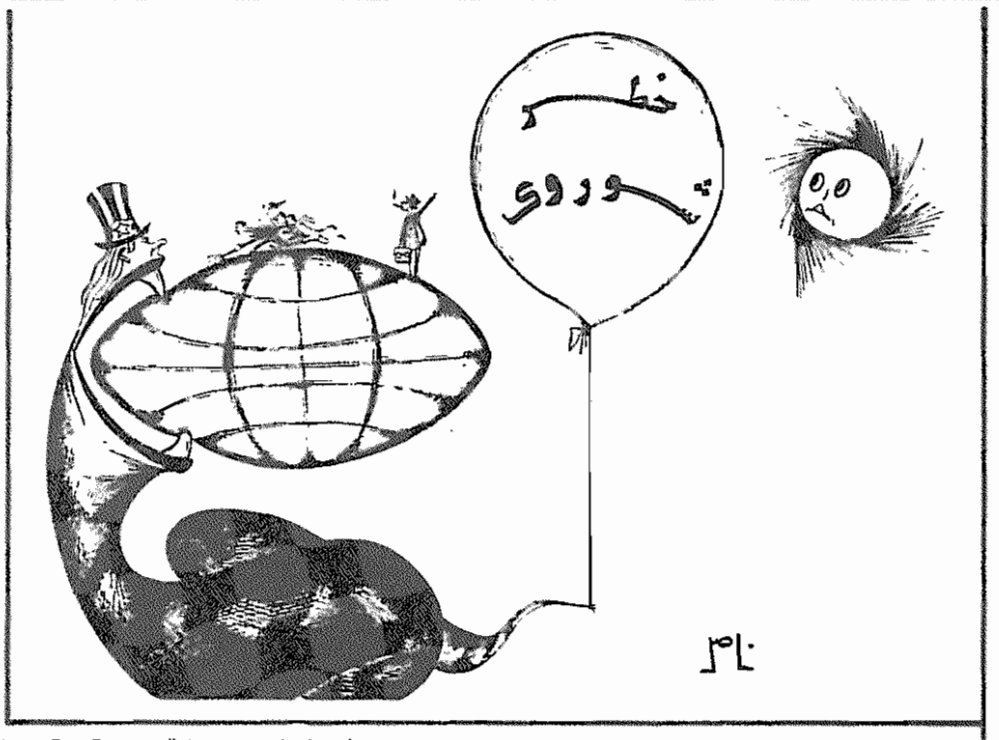

توجهی به جزئیات، بخاطرارزش تحلیل ودرستی سیاست

گاه دریک تحلیل بطور عمده درست، ارزیابی‌ها و داوریهائی غلط بچشم میخورد، که‌توجه‌به‌آنها برای خودتحلیل‌گر وبرای خوانندضروراست. ما البته همواره، به‌عمده‌توجه‌داریم ونکات ضعف فرعی را برجسته‌نمی‌کنیم، تادچار اشتباه درقضاوت ودرسمت‌گیری‌نشویم. یادآوری زیرنیزتنها بخاطرآنست‌که، حقیقت پاکتر و بدورازلغزشها باشدوبرای آنکه مبادا روش سیاسی نادرستی اتخاذشود.

روزنامه "صبح آزادگان"، درشماره ۱۴مردادخود، تحلیلی از"سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی" راچاپ‌کرده، که‌درآن‌ها کمال حیرت جمله‌زیرخواندمی‌شود:

"دولت موقت نخست با یک ترکیب ائتلافی بسیاردرهمی‌ازگروههای گوناگونی‌چون‌نهضت آزادی، نهضت رادیکال، جبهه ملی، جامعه حزب توده وهمچنین بازماندگان بخش نظام شاهنشاهی‌تشکیل شد."

خواننده‌بی‌اختیار محاسبه می‌کند: مقصود ازنماینده‌نهضت آزادی، که‌حتما" آقای بازرگان وآقای دکتریزدی هستند. نهضت رادیکال هم که‌معلوم است مقدم مراغه‌ای معلوم‌الحال، ازجبهه ملی‌نیزافرادی‌چون آقایان سنجابی وسلامتیان دردولت بودند. ازجامانیزرسما" رهبرآن آقای دکترسامی عضوبود. ازبازماندگان نظام شاهنشاهی نیزلابدافرادی چون‌یزدی‌ها و مولوی‌ها موردنظرهستند. اما ازحزب توده‌ایران؟! حزبی که‌رئیس همین‌دولت وسخنگوی رسمی‌اش امیرانتظام‌بارها گفتند، تاقانون زمان گذشته (زمان‌پهلوی‌ها) بقوت‌خودباقی‌است، این حزب هنوزقانونی شناخته‌نمی‌شود.؟! ازاین حزب چه‌کسی‌در دولت بود، که‌تحلیل‌گرآنرا هم جزء ترکیب ائتلافی دولت موقت می‌شمرد؟!

آیا سیاست سازشکاروگام‌بکام ولیبرالی دولت موقت، بخاطرآنکه مغایربا روح انقلاب وپیشرفت آن بود، قبل ازهمه‌توسط حزب توده‌ایران افشانشد؟!

ازاین جمله‌شتابزده‌وبدون مسئولیت وازاین ارزیابی نادرست چه‌سودی عاید یک تحلیل جدی میشود؟

بنظرما بهتراست حتی درجملات فرعی و مطالب گذرا هم دقت شود، بخصوص وقتی صحبت ازنیروهای سیاسی ونقش آنها درروند انقلاب است، تااز ارزش تحلیل کاسته نگرددوروس سیاسی نادرستی ـ درنتیجه ـ اتخاذ نشود.

تامین کاربرای کارگران بیکار، یکی ازنخستین وظایف دولت انقلاب است

www.iran-archive.com

مسائل سیاست خارجی ایران

«انزوا» و استقلال

مدتی است که مسئله بسیار مهم " سیاست خارجی" ایران وخدمتی که میتواند به انقلاب وتأمین استقلال ایران بنماید ، یا زیانی که به آن برساند ، مطرح است وبحق هم مطرح است . تجاوز نظامی آمریکا وسپس توطئه شوم کودتا وهم اکنون کارزار عظیم ضدایرانی که توسط ایالات متحده آمریکا در همه جبهه ها براه انداخته شده ، مسئله را دارای حدت وفعلیت بسیار کرده است .

بحق در آخرین جلسات مجلس شورای اسلامی توسط نمایندگان ورئیس مجلس - در آخرین خطبه نماز جمعه توسط امام جمعه تهران این مسئله طرح شده ومقابله با امپریالیسم آمریکا بمثابه ستون اصلی سیاست خارجی ما بیان گردیده است . بحق روزنامه اطلاعات سرمقاله روز پنجشنبه ۹ مرداد ۵۹ خود را به سیاست خارجی کشور اختصاص داده وجوانب مختلف آن را بررسی کرده ، تردیدها ، سردرگمی‌ها ، عدم ارتباط بالیبی درعین استمرار روابط با آمریکا وپاکستان ، مسئله منزوی بودن در سطح جهانی وحمایت از نیرده مستضعفین ، مخالفت با تطهیر ضیاء الباطل ، وطرد هر گونه سلطه وتحمیلات خارجی . تشخیص دشمن اصلی وسینه به سینه ، توجه به شیوه های گوناگون ، محیلانه وجنایتکارانه ، فریبکارانه وتجاوزگرانه دشمن وغیره را برشمرده است .

همه اینها حدت مسائل مربوط به سیاست خارجی کشور را نشان میدهد ، که متاسفانه از ضعیف ترین نقاط عملکرد دولت یا مقامات دولتی موجود در ماههای اخیر است . درحالیکه عده‌ای از مسئولان امور سیاست خارجی ظاهرا " از" خطر انزوای ایران در صحنه جهان " - در نتیجه اتخاذ سیاست انقلابی پیگیر - دم میزنند ، عملا" میکوشند انقلاب ایران را از دوستان وستحدین ومدافعین خود منزوی کنند وزمینه سازشکاری با دشمن سینه به سینه وخزیدن به دامان غرب امپریالیستی به بهانه رهایی از انزوا میشوند . باین ترتیب مسئله انزوا ودرارتباط با آن ، استقلال کشور ، که از مهمترین اهداف انقلاب ماست ، بنحوی جدی مطرح میشود .

سالیان سال است که توده های میلونی مردم ما بخاطر آرمان ارجمندی جنگیده‌اند ، شکنجه دیده‌اند و خون داده‌اند ، که هنوز چنانکه باید وشاید تحقق نیافته است . این آرمان گرانقدر ، استقلال میهن است ، رهایی ما از زنجیر وابستگی به امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکاست . کارگران وزحمتکشان ودیگر نیروهای مترقی میهن ما ورهبران خلقی وانقلابی آنها شک ندارند که جز با ریشه کنی کامل وابستگی‌های اقتصادی ، فرهنگی ، سیاسی ، ونظامی جامعه ما به سرمایه داری امپریالیستی جهانی ، این آرمان تحقق نخواهد یافت . این نیروها که اکثریت قاطع خلق های کشور ما را تشکیل میدهند ، به گواهی جشن های پرشکوه توده‌ای که به دنبال قطع رابطه با امپریالیسم آمریکا در سراسر ایران برگزار شد ، وبه گواهی عکس العملی که در برابر ترجا وزنظامی طبس وسپس در برابر توطئه کودتا در همدان بظهور رسید ، در این نکته نیز شک ندارند که تنها طی تحولات ماه های اخیر ، پس از مدتها تعلل وسردرگمی ، انقلاب ایران گامهای بلند واستواری - آنهم بدنبال تاکیدات مکرر امام خمینی - در راه عملی کردن این هدف برداشته است .

توده ها در روند گسستن وابستگی از جهان سرمایه داری امپریالیستی ، تحقق آرمان را می‌بینند که سالیان سال درحسرتش سوخته‌اند . ولی کسانی از دولتمداران ما برآنند که تحقق این آرمان منجر به "انزوای" انقلاب ما در صحنه جهان وشکست انقلاب خواهد شد ! این تناقض بازتاب تضادی عمیق وبنیادی در جبهه انقلاب است .

تعمیق راستاهای ضدامپریالیستی و خلقی انقلاب در هفده ماهی که از پیروزی قیام بهمن می‌گذرد ، هر از چندی بخشی از نیروهای میرنده جامعه ما را ، که پیش از این با انقلاب همگام بوده‌اند ، رودرروی آن قرار داده است .

آغاز مرحله دوم انقلاب ایران ، با درهم شکسته شدن مقاومت لیبرالها در مقابل گرایش های ضدامپریالیستی توده‌ها توام بود . بخشی از لیبرالها ، که هنوز توان مقابله با این برآمد عظیم انقلاب را در خود می‌دیدند ، در قالب "حزب خلق مسلمان" روی درروی آن ایستادند ، به ضد انقلاب پیوستند وزیر گامهای سنگین انقلاب درهم کوفته شدند .

ضربه‌ای که با آغاز مرحله دوم انقلاب ایران به لیبرالیسم وجبهه در حال کشش لیبرالها وارد آمد ، آنچنان سنگین بود که میتوان گفت جز با چرخشی عظیم ، که تماسی دستاوردهای انقلاب را در معرض خطر قرار دهد وتستجی عظیم بیافریند ، دیگر نمی‌توان انقلاب را به خط "نامه به نام" بازگرداند . هور لیبرالها موانع محکمی در دستگاه دولتی در اختیار دارند و در حال بازسازی قدرت خویش در اشکال سوسنی هستند . اما یک نکته مسلم است : دیگر به شیوه کلاسیک به این سادگیها نمی‌توان انقلاب را در چهارچوب منافع سرمایه داران وزمین داران بزرگ ایران به بند کشید .

با پیشروی انقلاب در جبهه اصلی ، جبهه نبرد ضدامپریالیستی ، پیشروی در جبهه‌های دیگر نیز آغاز شد . علیرغم مقاومت زمینداران بزرگ وبلندگوهای خرد وکلانشان وعلیرغم اینکه بخشی از آنان - از جمله در فارس - علنا" به ضد انقلاب پیوسته‌اند ، امروز اصلاحات ارضی دمکراتیک در دستور روز حکومت انقلابی قرار گرفته است .

توسعه بخش خلقی مالکیت نیز چشم انداز وسیعتری پیدا کرده است . درحالیکه مالکیت دولتی ، که لیبرالها کوشش داشتند آن را از محتوا تهی وبه نظارت دولتی تبدیل کنند ، بیش از پیش تثبیت شده است ، تحت فشار مبارزات کارگران ، اینجا وآنجا هنوز واحدهای تولیدی بزرگ ، ملی و به بخش مالکیت خلقی ضمیمه میشوند وسرمایه بزرگ وابسته مواضع تازه‌ای را از دست میدهد .

همه این رویدادها بیانگر صحت بینش ها ورهنمودهای حزب طبقه کارگر ایران مبنی بر اولویت واهمیت نبرد ضدامپریالیستی و تاثیر تعیین کننده نتایج این نبرد بر مبارزه در جبهه‌های دیگر است .

تهاجم بزرگ ضدامپریالیستی انقلاب ، چندیست که با سد مقاومت اقشار اجتماعی و گروههای سیاسی حدیدی روبرو شده است . گروه‌هایی که اگرچه از تاثید لیبرالها برخوردارند ، اما ماهیت طبقاتی وهویت سیاسی‌شان با ماهیت وهویت لیبرالها یگانه نیست . واقعیت اینست که نقاط تمایز بسیاری را مابین خط مشی سیاسی این گروه‌ها و سیاست "گام به گام " میتوان تمیز داد . اما این نقاط تمایز با مواضع مشترک فراوانی نیز همراهند .

درحالیکه لیبرالها رسما " هوادار راه رشد سرمایه داری سودند وعلنا" با اصلاحات بنیادی درجهت بازسازی ورشد جامعه در مسیر منافع زحمتکشان مخالفت میکردند ، اینان در تلاش محدود کردن سمتگیری غیرسرمایه داری جامعه هستند .

در جبهه نبرد داخلی وتعیین کننده مبارزه با امپریالیسم - درحالیکه لیبرالها بوئیده وآشکارا خواهان همکاری با امپریالیسم جهانی ، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا بودند - آنچه که خواه ناخواه منجر به حفظ وبازسازی وابستگی جامعه انقلابی ما به امپریالیسم آمریکا میشد - اینان از موضعی " استقلال طلبانه "وازسنگر نظریه "دوابر قدرت " ، "تئوری سه جهان" ، از همکاری با بازار سرمایه داری امپریالیستی جهانی دفاع میکنند .

این تفاوت ها میدان مانور این گروه‌ها را از میدان مانور لیبرالها وسیعتر میکند وبه آنان کمک میکند تا مدت زمان بیشتری با انقلاب همکاری کنند وبه بسیاری از اصلاحات بنیادی اجتماعی درجهت تامین منافع زحمتکشان واقدامات ضدامپریالیستی درجهت تخفیف وابستگی میهن ما به امپریالیسم تن دهند . بویژه که تجربه انقلابی توده‌ها وبخش وسیعی از رهبران ضدامپریالیست انقلاب هنوز آسمان سحولی نیافته است ، که اثرات درازمدت "سیاست سه جهانی" را در - یابند .

حرکت بشریت در راستای صلح ، ترقی ، دمکراسی وسوسیالیسم در آخرین دهه‌های قرن بیستم ، شتابی بیش از پیش بخود گرفته است . جبهه انقلاب جهانی ، که سه گردان اصلی آن را جامعه کشورهای سوسیالیسم ، جنبش رهایی‌بخش ملی و جنبش کارگری در کشورهای سرمایه داری تشکیل میدهند ، جبهه امپریالیسم وارتجاع را در سراسر جهان هرروز گامی بیشتر به عقب می‌رانند .

همراه با قدرت گرفتن روزافزون جبهه انقلاب در برابر ارتجاع جهانی ، جبهه انقلاب از انسجام ویکپارچگی بیشتری برخوردار میشود .

در جامعه کشورهای سوسیالیستی ، فرآیند هم پیوندی اقتصادی واجتماعی ، که بر مبانی برادری سوسیالیستی وهمبستگی انترناسیونالیستی برنامه ریزی شده است ، در حال توسعه است . روابط مابین جامعه کشورهای سوسیالیستی وجنبشهای رهایی‌بخش ملی ودولتهای ملی و دمکراتیک وجنبش مترقی در کشورهای سرمایه داری نیز روبه تحکیم وتقویت است . انسجام جهان انقلابی ، انسجامی موزون ومنظم ، برنامه ریزی شده وروبه رشد است . این انسجام خبر از یکپارچگی برادرانه دنیایی میدهد ، که در فردایی نه چندان دور ، بر ویرانه‌های جهان سرمایه داری ، برپا خواهد شد .

در نظام سرمایه داری امپریالیستی هم تلاش بسوی هم‌پیوندی ویکپارچگی روزافزون است . اما در این نظام ، این هم پیوندی از طریق رشد وگسترش شرکت های چندملیتی واختلاط سرمایه در سطح جهانی وتقسیم سود به تناسب قدرت صورت میگیرد . واز اینرو سرشار از رکشاکش وتضاد ، تضادی از طراز تضاد غارتگران بر سر غنایم است . این تضادها ، هرازچندی ، کم وبیش تشدید میشوند ، اما هنگامی که منافع عمومی امپریالیسم بخطر می‌افتد ، بسرعت جای خود را به هماهنگی و توافق میدهند . در رابطه دول امپریالیستی با کشورهای وابسته به امپریالیسم سرلاش فراوانی از دو طرف برای تحکیم وتشدید وابستگی انجام میگیرد . اما از آنجا که این وابستگی با مخالفت روزافزون خلقها مواجه است ، وادامه تشدید آن ، تنها با تشدید فشار واختناق وتقویت ارتجاع وعقب ماندگی در این کشورها میتواند پایدار بماند ، انسجام جهان امپریالیستی ، انسجامی است که در هر لحظه ، در این یا آن گوشه ، ضد خویش را در خود می‌پرورد .

بهرصورت در جهان ما ، دو جبهه ، دو جهان متفاوت درحال جدالند . یکی جبهه انقلاب ، که درحال پیشروی بسوی ساختمان جهانی انسانی وبرابری قابل زیست است و هرروز از قدرت وانسجام بیشتری برخوردار میشود ، ودیگری جبهه امپریالیسم وارتجاع ، که درحال عقب نشینی ودفاع از مواضع ظلم و فساد وکرنگی ونابرابری است .

در چنین جهانی ، برای جنبش های رهایی بخش ، که واقعا" وعمیقا" خواستار استقلال ورهایی از عقب ماندگی ووابستگی به امپریالیسم جهانی هستند ، دوراهه بیشتر وجود ندارد : یا باید در درون سیستم سرمایه داری امپریالیستی ووابسته به آن باقی ماند و از استقلال واقعی چشم پوشید ، ویا به جبهه انقلاب جهانی پیوست ودر قالب نظامی متشکل بر برابری وهمبستگی انقلابی ، از بیشترین امکانات برای تامین استقلال راستین ورشد وترقی جامعه براساس تامین منافع زحمتکشان برخوردار شد . در عصر انقلاب علمی وفنی ، کناره‌جویی از این هر دو جهان ، درحکم صرف نظر کردن از آخرین دستاوردهای علم وفن وبازگشت به فقر وعقب ماندگی ماقبل تاریخ است . امری آنقدر ناممکن ، که تا کنون به ذهن احدالناسی خطور نکرده است .

در دوران ما بندرت اتفاق می‌افتد که کشوری ، که در آن انقلاب ملی ودمکراتیک پیروز شده است ، برای سالیان درازی بتواند موضعی "میانه" اختیار کند ودرعین مبارزه با امپریالیسم ، از طریق ضدیت با نیروهای مترقی ، به ارتجاع جهانی نیز یاری رساند . مشخصه این کشورها عدم ثبات وتزلزل آنها است . چنین موضعی بیش از آنکه موید وجود "جبهه سومی" در کنار دو جبهه اصلی در جهان ما باشد ، نشاندهنده برابری نیروهای متمایل به انقلاب وارتجاع در این کشورهاست . این برابری دیری نخواهد پایید وسرانجام یکی از این دو نیرو به پیروزی غیرقابل بازگشت نائل خواهد شد . این را ما نمی‌گوئیم ، واقعیات غیرقابل انکار جهان وانقلابیون واقع بین جهان می‌گویند .

بلافاصله پس از پیروزی قیام بهمن انقلاب ایران برسر آن دوراهی قرار گرفت که در دوران ما هر انقلاب رهایی بخشی پس از سرنگون کردن حکومت وابسته به امپریالیسم با آن روبرو میشود : تامین استقلال واقعی ، یا ادامه وابستگی به سرمایه داری امپریالیستی جهانی ؟

امپریالیسم جهانی ، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا ، که در برابر ضربات سنگین قیام توده‌ها ، شاه سرنگونی سلطنت شده بود ، ولی هنوز امید به ادامه وابستگی جامعه ایران را از دست نداده بود ، در نخستین ماه‌های پیروزی قیام ، هنگامی که لیبرال ها هنوز بخش مهمی از قدرت را در دست داشتند ، تمامی هم خود را مصروف تقویت آنان وتضعیف جناح خلقی حکومت به رهبری امام خمینی میکرد ، تا مگر از این طریق انقلاب را از بالا ، درچهارچوب منافع سرمایه داری بزرگ ایران ، وابسته به امپریالیسم ، به رنجیر بکشد .

آغاز مرحله دوم انقلاب ایران وسازش ناپذیری امام خمینی وپیروان راستین شان ودیگر نیروهای انقلابی ایران ، در مسئله جاسوسان آمریکایی ، این امید امپریالیسم را نیز بباد داد . امپریالیسم اینک خود را با خطر جدی از دست دادن بازگشت ناپذیر مهمترین پایگاه خویش در این سوی جهان مواجه می‌بیند . هم از این رو مسئله براندازی حکومت خلقی ایران از سوی آنان در دستور روز قرار گرفته است . تجاوز نظامی اردیبهشت ماه در طبس وتوطئه کودتای تیر ماه در پایگاه هوایی همدان گامهای عملی آنان در این جهت است .

توده‌ها ورهبران خلقی وضدامپریالیست آنان هشیارند ودمیدانند که توطئه‌های امپریالیسم آمریکا ادامه می‌یابد وجز مقابله رودررو راهی نیست . آنان از محاصره شدن بوسیله امپریالیسم جهانی واز تهدید دخالت نظامی آمریکا بیمی بخود راه نمی‌دهند . آنان در این رویارویی ، نبردنهایی با امپریالیسم برای تامین استقلال واقعی خویش را می‌بینند وبرای پیروزی در این نبرد ، مانند دوران مبارزه با رژیم شاه مخلوع ، هرآنچه را که لازم باشد ، فدا خواهند کرد .

اما نزدیک شدن این پیکار سرنوشت ساز ، اعمال ارجاعه وگروه‌هایی از سیاستمداران ما را بشدت نگران کرده است . همه کسانی که بدرستی دانسته‌اند که درصورت شعله ورشدن بیشتر پیکار ضدامپریالیستی خلق ، بقای سرمایه داری وزمینداری بزرگ ایران بباد خواهد رفت ، آنان که میدانند در شرایط دشوار نبرد با امپریالیسم ، جامعه چاره‌ای جز خاتمه دادن به غارت جنایتکارانه بقایای سرمایه داران وزمینداران بزرگ واتحاد راه رشد غیرسرمایه داری نخواهد داشت ، همه آنان که دانسته‌اند که با لگرفتن هجوم ضدامپریالیستی توده‌ها منجر به افزایش تمایل به همکاری ودوستی با جنبش های رهایی‌بخش ملی وجامعه کشورهای سوسیالیستی خواهد شد و در اینصورت چه بسا که دیگر سراب طلایی غرب در برابر جاذبه واقعی دنیای جدید رنگ ببازد ، وهمه آنان که به دلایل فوق درحسرت همکاری و هم پیوندی با سرمایه داری امپریالیستی جهانی میسوزند وجامعه کشورهای سوسیالیسم و جنبش های رهایی بخش راستین را بیش از امپریالیسم دشمن میدارند ، از این هشیاری وقاطعیت انقلابی توده‌ها بوحشت مرگ افتاده اند .

اینان در این شرایط ، درشرایطی که همکاری با امپریالیسم دیگر علنا" قابل دفاع نیست ، چه میتوانند بکنند؟ تشدید تضادهای درون خلقی ؟ کوشش درجهت منحرف کردن احساسات ضدامپریالیستی توده‌ها بسوی دشمنان خیالی داخلی وخارجی؟ ترغیب نیروهای انقلابی به مبارزه برای" آزادی" و نه مبارزه علیه امپریالیسم ؟ جنجال برسر دشواریهای انقلاب افغانستان ؟ همه اینها لازم است ، اما کافی نیست . توده‌های این چنین بخشم آمده علیه امپریالیسم را به این سادگی نمی‌توان به همکاری وهم‌پیوندی با امپریالیسم جهانی راضی کرد . این خلق بپا خواسته را باید فریب داد . باید حقایق و واقعیات جهان را تحریف کرد ووارونه جلوه داد .

درباره ماهیت ضدانقلابی نظریه " ابرقدرت ها " وتئوری " سه جهان" ، این محصول تئوریک مشترک امپریالیسم ومائوئیسم ، بیش از این بارها وبه تفصیل سخن گفته‌ایم . چنین نظریاتی تنها بکار فریب دادن توده‌ها وترغیب آنها به همدستی با امپریالیسم می‌آیند . نمونه چنین بهترین شاهد این مدعاست . رهبران خائن چین ، با تبلیغ و ترویج چنین نظریاتی ، ظرف سالیانی توانستند به نمایندگی از طرف صدها میلیون مردم انقلابی گمراه شده ، به دستیاری امپریالیسم جنایتکارجهانی برخیزند .

نیز گفته‌ایم که در میهن ما همه میلیون آگاه وناآگاه این نظریات از یک سلاله نیستند . در کنار مائوئیست های ضدانقلابی وطرفداران راه رشد سرمایه داری وهمکاری با امپریالیسم ، بخشی از نیروهای صادق ضدامپریالیست نیز تحت تاثیر احساسات تند مذهبی و ناسیونالیستی وتحت تاثیر تبلیغات دیرینه وسهمگین نظام گذشته ، از چنین دیدگاهی سخن میگویند . اما میان اینان و آنان ، تفاوتی بزرگ وکیفی وجود دارد .

برای نیروهای انقلابی وضدامپریالیست شعار "نه شرقی نه غربی" ، بیانگر تمایلی خروشان به مبارزه‌ای قطعی و سازش ناپذیر با امپریالیسم است . اینان در قالب این شعار ، تمایل عمیق خویش به تامین استقلال واقعی میهن ما را بیان میکنند . موضعگیری آنان در برابر حوادث اخیر انقلاب گواه بارز این گرایشهاست . آنها همانند توده‌های خلق از درگیری در نبرد رویاروی با امپریالیسم بحداعلا ناشادمانند وبه بیکار آشتی‌ناپذیر با امپریالیسم افتخار می‌کنند .

اما برای طرفداران همکاری وهم‌پیوندی با امپریالیسم ، اعم از مائوئیست‌ها وطرفداران راه رشد سرمایه داری ، نظریه " ابرقدرت ها " وشعار " نه شرقی نه غربی" پوششی است برای زمینه‌سازی برای سازش با امپریالیسم . اینان با تبلیغ وترویج این نظریات در واقع برای سازش با امپریالیسم دورخیز میکنند .

بلندآوازترین هنداردهندگان خطر موهوم " انزوای انقلاب ایران "همینانند . کسانی که از نتایج محاصره اقتصادی میهن ما بوسیله امپریالیسم جهانی ، بیشتر از خود امپریالیست ها نگرانند وازاینرو در هیات حاکمه آمریکا در بدر بدنبال "دوستانی" از طراز رمزی کلارک ها میگردند ، که رئیس جمهور ودیگر کارگزاران انحصارات امپریالیستی ایالات متحده را "قانع کنند" که در صورت ادامه محاصره اقتصادی وآحیانا " درصورت تکرار مداخله نظامی ، هرگونه امکانی را برای بازسازی روابط ایران وآمریکا از دست خواهند داد . کسانی که امپریالیست های کوچک متحد آمریکا را دشمنان امپریالیسم آمریکا ودوستان خلق ما معرفی می‌کنند و در نخستین گام درپی حفظ وتقویت روابط با این کشورها هستند . آنانکه اسلام خمینی را با اسلام آمریکایی یکانه میدانند ودوستان نشاندگان آمریکا از قبیل ضیاءالحق ها را نیرو روان سعار "نه شرقی نه غربی" قلمداد می کنند .

اینان درکلام از "سه جهان" دم می زنند ، اما درکردار یک جهان بیشتر نمی‌شناسند وآن جهان امپریالیسم وهمدستان و وابستگان است . به این دلیل است که درست در زمانی که توده‌ها ونیروهای انقلابی ارضمم قاطع خواستار قطع رابطه ما با امپریالیسم جهانی هستند ودر راه عملی کردن این خواست گام برمیدارند ، اینان از یکسو خلق ورهبران انقلابیش را از خطر "انزوا" می‌ترسانند واز سوی دیگر به ایجاد واشکال مختلف از امپریالیسم آمریکا می طلبند که با چشم‌پوشی از برخی امتیازات "مساله گروگانها" را بنحو "مسالمت آمیزی" حل کند ومانع از گرایش ایران انقلابی بسوی جبهه انقلاب جهانی شود . وبا در پیش گرفتن سیاستی فعال برای عملی کردن این منظور ، با اسلام آمریکایی برسرسفره مردمی بنشیند ، با هم‌سمتان آمریکا در دسته‌بندی ضدانقلابی با شوهم‌سمان می‌سوند واتحادات ضدملی اروپایی - آمریکایی را تشویق می کنند که به فرمان محاصره اقتصادی ایران گردن نهند وحمایت به غارت امپریالیستی میهن ما را ادامه دهند . مبادا که انقلاب ما در جهان امپریالیسم آمریکا وهمدستان و وابستگانش "منزوی" سودا .

حرکت انقلاب ما بسوی تعالی آنچنان شتابان است که این نیروها را نیز ، که تا کنون با انقلاب همگام بوده‌اند ، بسرعت بسوی همتوایی با امپریالیسم ورویاروی با خواستهای مردم رانده است . امپریالیسم چرا این نمی خواهد که با درنگ قرار دادن میهن ما را طریق محاصره و "انزوای" اقتصادی با تهدید بتجاوز نظامی ، با تحریک وتوطئه ، ما را در ادامه مبارزه خسته و فرسوده کند ، تا مگر از سرخستی دست برداریم وسه مطامع غارتگرانه اش گردن نهیم . اینان نیز به همتوایی با امپریالیسم ، مردم ما را از خطر "انزوا" درجهان امپریالیستی می ترسانند واز آنان می خواهند که برای جلوگیری از "شکست انقلاب" به سازش با امپریالیسم تن دهند .

ولی مردم ما نشان داده‌اند که انقلابی تر از آنند که به سادگی دست از آرمان خویش بردارند وآگاهتر از آنند که خشم برحق وجهانی دستگیر ، رویاروی جهان امپریالیسم وارتجاع برسند ، جهان دیگری که ارمان نخستین گامهای انقلاب دستان گرم وفدر سمید همبستگی وبستگی برادرانه اش را روی شانه‌های خودحس کرده‌اند ، علیرغم این سمه‌های ناسار ، خلم راه خود را با تامین واقعی ادامه خواهد داد .

www.iran-archive.com

بمناسبت شصتمین سالگرد بنیانگذاری حزب کمونیست بریتانیا

حزب کمونیست بریتانیا روز ۹ مردادماه گذشته، شصتمین سالگرد بنیانگذاری خویش را جشن گرفت.

ائتلاف چندین حزب کارگری و سازمان سیاسی کوچک، در "کنگرهٔ وحدت" لندن درروزهای ۱۰ـ ۹ مرداد ۱۲۹۹ و تاسیس حزب کمونیست بریتانیا، رویدادتاریخی بزرگی در تاریخ جنبش کارگری بریتانیاودرسهنهٔبین المللی بود. پایه گذاری یک حزب کارگری انقلابی درسرزمین مادری سرمایه‌داری، دیگربه صورت عینی مبدل‌شده بود، تا در برتو آن‌بتوان ازمنافع حیاتی طبقهٔ کارگر بریتانیا، در برابرهشی فرصت طلبانه و رفرمیستی رهبران "حزب کارگر" وسندیکاها، بدفاع برخاست. خط مشی نامبرده‌میکوشد تاطبقهٔ کارگر راازمیکار در راه کسب قدرت سیاسی و ساختمان جامعه‌ای نو، بری ازبهره‌کشی سرمایه‌داری، باز دارد.

ازسوی دیگر، تاسیس حزب کمونیست بریتانیا را میتوان بمثابه پاسخ عناصرآگاه طبقهٔ کارگر بریتانیا به اتحاد نامقدس انحصارگران جهانی، به‌رهبری امپریالیسم بریتانیا، علیه نخستین کشورسوسیالیستی جهان بشمار آورد. حزب جوان کمونیست‌های بریتانیا، وفادار به ندای‌انترناسیونالستی کارل مارکس و فریدریش انگلس، یعنی "پرولتاریای جهان متحد شوید!"، رهبری جنبش "ازکشور سوراها دست بردارید!" رادربریتانیا بعهده گرفت.

کمونیست‌های بریتانیا، حتی درنخستین سالهای تاسیس حزب خود، وعلیرغم سرکوبگری‌های فزایندهٔ ضدکمونیستی، پایداری و پیگیری خودرا دردفاع ازحقوق و منافع زحمتکشان به‌ثبوت رسانیدند.

درسالهای ۱۳۰۵ـ ۱۳۰۴، هنگامی‌که موجی از اعتصابات کارگری سراسرکشور رابه‌لرزه درآورد و کارگران بریتانیا نخستین بار به‌اعتصاب همگانی دست زدند، کمونیست‌های بریتانیا خویشتن‌را درصفوف پیشاپیش این جنبش قراردادند. تنها خیانت رهبران راستگرای "حزب کارگر" و سندیکاهابود که سرمایه انحصاری ومالی رابه درهم شکستن جنبش نامبرده موفق ساخت.

چندی نگذشت که حزب کمونیست بریتانیا، به‌رهبری کمونیستهای برجسته‌ای چون هاری پولیت، ویلیام‌گالاچر، پالم داب‌به یکی ازستگرهای مستحکم‌جنبش بین المللی کمونیستی مبدل گشت. این حزب درکارزارهمبستگی با "جمهوری اسپانیا" و "سیاست عدم‌مداخله" محافل حاکمهٔ قدرت‌های امپریالیستی، موضع‌انترناسیونالیستی خویش رابثبوت رسانید.

دردوران جنگ دوم‌جهانی، کمونیستهای بریتانیا باتمام نیرو به‌پشتیبانی ازکشور شوراها ودرهم شکستن فاشیسم بپاخاستند و، بدینسان، پایگاه توده‌ای خویش را گسترش بخشیدند. نه‌تنها شمارهٔ اعضای حزب افزایش چشمگیر پذیرفت، بلکه درانتخابات پارلمانی سال ۱۳۲۴ برای نخستین باردونامزد حزب کمونیست بریتانیا به پارلمان آن‌کشور راه یافتند.

کوشش امپریالیسم آمریکا، مبنی برآغاز جنگ سرد و بخاطرمقابله باتغییر تناسب نیروهابسود سوسیالیسم و جنبشهای آزادی‌بخش ملی، که ازپشتیبانی فعالانه سرمایه انحصاری بریتانیابرخوردارمی‌شد، نمی‌توانست برشرائط مبارزه کمونیستهای بریتانیابی‌تاثیرباشد. آنها مجبور گشتند تا با نمودهای گوناگون سرکوبگری خشونت آمیز و موج وسیعی ازتبلیغات ضدکمونیستی و ضدشوروی به مبارزه بپردازند. فزون براین، محافل حاکمه کارکشتهٔ بریتانیا، ازتجربیات غنی ودیرینه خود برای فریب بخشی از طبقهٔ کارگر استفاده می‌جستند، تا از این راه ازتوسعهٔ اندیشه‌های رهایی‌بخش مارکسیسم‌ـ لنینیسم در میان زحمتکشان بریتانیا جلوگیری کنند. رهبران راست‌گرای "حزب کارگر" وسندیکاها، آنروزنیز مانند امروز، با سیاست اپورتونیستی و رفرمیستی خویش، ارزنده‌ترین دستیاران آنهابودند. درده‌سال گذشته عناصر راستگرا بارا از این نیز فراتر گذاشته و می‌کوشند تا با "تئوریهای" رویزیونیستی و تئورفرمیستی خود، کمونیست‌هارا نیز، مستقیم و غیرمستقیم، از راه سوسیالیسم علمی بازدارند. عوامل نامبرده‌سبب شده است که حزب کمونیست بریتانیا تابه‌امروز، برای بسط نفوذ سیاسی خویش و ایجاد پایگاه توده‌ای نایب، درپیکاری روزبه‌روز دشوارتر درگیر باشد. بااینهمه، بورژوازی بریتانیاو دستیاران سوسیال‌دمکرات آن تاکنون نتوانسته‌اند حزب کمونیست بریتانیا را از صحنهٔ سیاسی‌آن کشور بدرکنند. نوای فزاینده سوسیالیسم واقعاموجود، سروزنهای سگرف جنبش های آزادی‌بخش ملی و تحکیم هرچه بیشترنهضت‌بین‌المللی کارگری، در بریتانیانیز شرائطی پدید آورده‌است که با دوران جنگ سرد فرق بنیادی دارد. این، واقعیتی است که حملات متقابل ارتجاعی‌برپس محافل نیزدرآن‌تغییری نمیتواند داد.

سی وپنجمین کنگرهٔ حزب کمونیست بریتانیا، که در پائیز سال ۱۳۵۶ برگزارشد، برنامهٔ مصوب ۱۳۳۰ حزب را، زیرعنوان "راه بریتانیا به‌سوی سوسیالیسم"، پس از برخی اصلاحات تائیدکرد. دراین برنامه گفته میشود:

" این برنامه، به پایه تئوری سوسیالیسم علمی مارکس و انگلس استوار است ... طبقهٔ کارگر و متحدان او باید، برای ساختمان سوسیالیسم، قدرت‌سیاسی را از دست بورژوازی خارج سازند."

حزب کمونیست بریتانیا، برپایه این برنامهٔ استراتژیک، مبرم‌ترین وظیفهٔ کنونی خودرا ایجاد وتحکیم جنبش وسیع ضدانحصاری زحمتکشان، تعیین کرده است، تابه‌کمک آن‌بتوان دگرگونیهایی دمکراتیک و بنیادی رادر گسترهٔ زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پدید آورد. این حزب، تشکیل جبههٔ متحدی از نیروهای چپ را سرط آساسی گذاربه‌سوسیالیسم می‌داند.

همانگونه که سی وششمین کنگرهٔ حزب کمونیست بریتانیا درسال گذشته تصریح کرد، حزب اینک همهٔ فعالیت خویش رادرپیکار علیه سیاست داخلی و خارجی دولت ضدکارگری، ارتجاعی و ضدکمونیست تاچر متمرکز ساخته است.

بحران اقتصادی سرمایه‌داری با ۱/۸ میلیون بیکار، نرخ تورم ۲۵ درصد و پیش بینی کاهش تولید صنعتی در سال جاری، دربریتانیا رکوردهای جدیدی بجای گذاشته است. محافل حاکمهٔ بریتانیا باسوءاستفاده از این‌بحران، میکوشندتا بسیاری از دستاوردهای اجتماعی و اقتصادی زحمتکشان‌را از آنها بازستانند. انحصارگران آن کشور و دولت منصوب آنها با تشدید سیاست تسلیحاتی، از سیاست رویاروبی کارتر پشتیبانی فعال می‌کنند.

گوردون مک لنان، دبیرکل حزب کمونیست بریتانیا، چندی پیش درجشن "مورنینگ استار" حزب کارگر و سندیکاها را فراخواند، که بااین سیاست جنگ افروزانه به‌ستیزه برخیزند و دولت تاچر را ساقط سازند.

کمونیستهای بریتانیا سالهاست که درصفوف مقدم جنبش هواداران صلح و خلع سلاح می‌رزمند. آنها سیاست تنش فزایانه مرجع‌ترین محافل امپریالیسم ایالات متحده ودستیاران بریتانیایی آنهارا محکوم می‌کنند. کمونیستهای بریتانیا، دوش بدوش دیگرنیروهای صلحدوست، علیه تصمیم "ناتو" مبنی براستقرارموشکهای میان‌برد دراروپا به مبارزه مشغولند.

حزب تودهٔ ایران، که سالهاست باحزب کمونیست بریتانیا مناسبات نزدیک دارد و پیوسته از همبستگی کمونیستهای آن کشور باپیکار ضدامپریالیسی و دمکراسی‌ـ طلبانهٔ خویش بهره‌مند شده‌است، سصمین سالگرد پایه‌گذاری حزب برادر را به‌حزب کمونیست بریتانیا شادباش می‌گوید و پیروزیهای بیشتر آن حزب رادر پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع و درراه صلح، دمکراسی و بهروری زحمتکشان بریتانیا خواستار است.

اهالی تپاله‌ها را برای مصرف سوخت خود جمع کرده‌اند (قاراقیه ـ مشکین‌شهر)

«قاراقیه» ـ فقر امروز میتواند به شکوفائی فردا بدل شود

گذری به روستا

روستای قاراقیه، با ۲۰ کیلومترفاصله ازمشکین شهر، یکی ازمناطق کوهستانی این منطقه است، ولی ارتباط اهالی بیشتربا اردبیل است.

ازاردبیل به‌قصدجاده بردست انداز "قاراقیه" حرکت می کنیم. درحاشیه‌جاده گروه گروه مردم‌منتظرماشین نشسته‌اند، که این خودنشانه کمبودماشین مسافربروکمبود درزمینه ارتباط ونبودن امکانات است. بعداز ۲ ساعت به قاراقیه می رسیم. آنچه درنظراول دیده‌می شود، عدم‌بهداشت است. در میدان ده، که‌بازار ده نیزنامیده می شود، چندنفرنزدیک می سوندرماخوش آمدمی گویند. بعدازسلام وعلیک ازمشکلات ده می پرسیم. حرفهازیاداست. می گویند:

"زمینهایی راکه‌مشاع‌بود، بین دهقانان بی زمین وکم‌زمین تقسیم‌کرده‌ایم‌وازدولت می خواهیم‌که‌این تصمیمات رابه رسمیت بشناسد."

صحبت‌کنان درطول بازارقدم‌می زنیم. در یک طرف بازارکورستان بزرگی است‌که‌وجودش موجب نارضائی اهالی است. دردوطرف کورستان خانه‌های گاه‌گلی روستائیان مانند قوطی کبریت کنارهم چیده‌شده‌اند. ازمیدان‌که ردمی شویم، به‌دفترجهادسازندگی می رسیم. مردم‌جلوی دفترجمع‌شده‌اند. علت را می‌پرسیم. مارابه داخل دفتررا هنمایی می کنند. نامه بلندبالایی روی میزقراردارد واهالی به‌صف ایستاده‌اندویکی یکی زیرش رااامضاء می کنند. مسئول جهادسازندگی، که‌ازطرف مردم‌ده انتخاب‌شده، بدون مقدمه‌چنین می گوید:

"بعدازانقلاب این دفتررا دایرکردیم‌وبا جهادسازندگی شهرستان مشکین شهرارتباط برقرارنمودیم. باکمک خودمردم‌وبا بودجه‌ای که‌خودمردم جمع‌کرده‌اند، تاکنون یک مدرسه ساخته‌ایم. هزینه‌این مدرسه راسیصدهزار تومان تخمین زده‌بودند، که‌ما با یکصدوپنجاه هزارتومان تمام‌کردیم."

وی به‌نامه اشاره‌کرده‌می گوید:

"حالانامه‌ای ازجهادسازندگی مشکین شهر آمده، که‌انحلال جهادسازندگی اینجا راخواسته است وما می خواهیم‌به استاندارشکایت بکنیم."

اهالی مصرانه خواستاربقای جهادسازندگی هستند.

ازدفترخارج‌می شویم. جای تاریک وکم‌ـ نوری، که‌دارای سنجره‌های کوچک ودرقراقه‌ای است، نظرمان رابخودمشغول می کند. اهالی برایمان توضیح می دهندکه‌اینجا سیرده‌کش‌خانه است، ویکی ازآنها می گوید:

"این هم‌ازیادگارهای طاغوت است."

وجود این مرکزمفاد، جوانان روستا را، که اغلب بیکارهستندووسائل تفریح‌هم‌ندارند، تهدیدمی کند. به‌قیافه‌مردان وزنان ده که سنگری، جزدردورنج‌چیزی درآن شمی یابی، از مشکلات روزسئوال می کنیم. یکی ازاهالی می گوید:

"نفت نداریم، گازوئیل نداریم‌وتراکتورها به همین علت‌خوابیده‌اند."

دانش‌آموزی می گوید:

"سعی ها به‌عمدمی خواهندنارضایتی موجودآورندوبه‌مردم بگویندکه‌انقلاب کردید وبایدبدبختی بکشید. اینان به‌هرترتیبی که شده می خواهندجلوی پیشرفت انقلاب رابگیرند."

اززمینهای زراعی می پرسیم. می‌گویند:

"زمینهای این ده‌بسیارحاصلخیزاست. بذری که‌پاشیده‌می شود، محال است که‌نروید وسمرندهد."

دیگری می گوید:

"اگردولت امکانات مادی وفنی دراختیار مابگذاردوجاده ارتباطی درست‌کندومسئله حمل ونقل آسان گردد، هم‌وضع‌ماخوب می شودو هم‌سطح‌تولیدکشاورزی بالامی رودوبدیگر هیچ‌احتیاجی به‌واردکردن کالاازخارج‌نخواهیم داشت."

خواستها بسیاراست. آن دیگری اضافه می کند:

"وانگهی بازاربرای فروش نداریم. همیشه به سلف‌خرها بدهکارهستیم."

آنها خواهانندکه‌دولت یک شرکت تعاونی واقعی درآنجادایرکند. یکی ازاهالی، که ۵۰ سالمه‌به‌نظرمی آید، می گوید:

"اگرکسی مریض بشودواحتیاج‌فوری به پزشک داشته‌باشد، مرگش حتمی است."

اومصرانه‌ازمامی خواهدکه‌گفته‌هایش راسد گوش مقامات مسئول برسانیم.

اگرنخواهیم‌که‌کشورمان خودکفاشود و تهدیدات امپریالیسم‌آمریکاکارائی نداشته باشد، می بایست ازوجودابنهمه‌امکانات در روستاها استفاده‌کنیم. قاراقیه‌تنها یک‌نمونه ازهزارهاست. برای بهره‌گیری ازامکانات بایدبه خواستهای کشاورزان رسیدگی شود، یعنی بایداراضی بزرگ مالکان به‌روستائیان واگذارگردد، درزمینهای مشاع‌تعاونی های تولیدایجادشود، وسایل ضروری جهت کشت در دسترس دهقانان قرارگیردومعضلات گوناگونی که‌گریبانگیرآنان است، برطرف شود، تا آنان باجان ودل به‌کارکشاورزی بپردازند.

شکایت مالک از خرده مالکان!؟

روستای ابرج دراطراف سدداریوش واقع است. مالک این روستافردی بنام "محمدخان ضرغامی" بود، که‌درسال ۱۳۴۱ عوامل وی یک نفررا کشتندو ۸ نفررازخمی کردند. روستائیان دراعتراض‌بداین عمل به‌تهران رفتندوشکایت کردند. درسال ۱۳۴۸ اتحاددهقانان ومبارزه آنها علیه‌مالک موجب‌شدکه ۴۰۰ هکتار از زمین های وی راسین ۴۲ خانوارروستائی تقسیم‌شود، که‌این زمین ها همگی دیمی است.

دراین روستا ۸ خانوار حوش‌نشین وجود دارد. خوش‌نشینان طلب‌کرده‌اندکه‌زمینهای یکی دیگرازمالکان این روستا، راکه ۵۶ هکتاراست، واگذارشود.

اخیراً مالک بزرگ روستا ازسه‌نفرخردمالک، که‌درسال ۱۳۴۸ دراثرمبارزه‌سیگیرانه‌توانسته بودندصاحب زمین شوند، شکایت کرده‌است. وی ادعاکرده‌که‌درمقابل ۲۰۰ هکتاراززمینهائی که‌خرده‌مالکان صاحب‌شده‌اند، باید پول زمینهارادوباره بدهند!

مالک بزرگ چندبار به‌بازسگاه‌شکایت‌کرده وروستائیان رابه‌گروهان مرودشت برده و موجبات ناراحتی روستائیان رافراهم‌کرده‌است. وی بااین طریق آنها راباکشاندن به‌شهرازکار وزندگی بازمیدارد.

دراین زمان که‌بایدکلیه‌زمینها به‌دهقانان بی‌زمین‌واگذارگردد، این شخص برخلاف روح انقلاب وقانون عمل می کندو متاسفانه‌کارش راازپیش می برد.

روستائیان می گویند: ماقبالیه‌داریم که این زمین به‌ماتعلق داردودرنتیجه اتحادو مشکل‌ما رسیده‌است. درضمن اظهارمیدارند، بخاطراینکه‌کشمکش‌بوجودنیاید، هرطورکه مقامات دادگاه انقلاب وسپاه‌پاسداران، که نهادی انقلابی است، دستوردهند، عمل خواهیم کرد.

سرپرسندن این دهقانان به‌خواست خود این است که‌اتحادخودراحفظ کنندواجازه ندهندکه‌زمینداران بزرگ بین آنها ودیگر روستائیان زحمتکش نفاق وچنددستگی ایجاد کنند. آنها با بدسعی کنندکه‌با اتحادوهمبستگی خودوبه‌کمک نهادهای انقلابی به‌خواست خود، که‌همان خواست انقلاب است، برسند.

وظیفه مسئولان دولتی است که‌هرچه‌زودتر هیئت تفتیش‌اصلاحات ارضی را باشرکت دوتن ازنمایندگان دهقانان بی زمین وکم‌زمین تشکیل دهندوتکلیف این آقای مالک بزرگ را که‌ظاهراً" باپاسگاه‌هم‌زدوبندداردو، تعیین کنند.

باتشکیل تعاونی روی زمینهائی که مالکیت مشاع‌آنها به‌دهقانان منتقل می شود، می‌توان ریشه‌بزرگ مالکی راکندوآینده‌شکوفائی را برای دهقانان تامین کرد.

اخبار دهقانی

اتحادو تشکل ضمانت برای پیروزی است

روستای قشلاق موسی بیگ، درآغوش کوه بزغوش واقع شده‌است وازمیانه ۳۵ کیلومتر فاصله دارد. آب رودخانه‌کوچکی که‌ازوسط آن عبور می کند، درتابستان خیلی کم‌ونقریبا" خشک است و اهالی اکثرا" باکمبودآب مواجه هستند.

حدود ۵۵ خانوارباجمعیتی حدود ۲۶۰ نفر دراین روستازندگی می کنند. تاکنون ده خانوارازاین روستاکوچ کرده‌اند.

زمین این ده ۵ دانگ ویک سیه است. مقدارزیادا این زمینها بصورت دیم کشت می‌شود. نوبت‌آب درتابستان هر ۶ روز یکبار، آنهم ۱/۵ ساعت برای هر "پونزا" وخیلی ناچیز است.

درزمینهای کنارروخانه تعدادی درخت میوه نیزوجوددارد. بقیه‌زمینها اغلب بدون کشت مانده‌اند.

اکثراهالی دامپروندوخانواده‌های دامدار از ۵ تا ۴۰ راس‌دام‌نگهداری می کنند. آنها درتابستان به‌کوه برغوش کوچ‌می کنند و مردان درفصل پائیزوزمستان برای کارکری‌به جاهای دیگرمی روند، تاهزینه‌زندگی خانواده‌شان راتامین کنند.

جاده‌روستادرطول سال ۴ ماه‌بسته است. این ده‌فاقدوسیله نقلیه است.

درمدرسه‌ابتدائی باده‌معلم، ۳۸ نفرمحصل درس می خوانند. خانواده‌هائی که‌توانائی مالی کمتری دارندبرای تامین معاش‌خانواده ازکارکودکان استفاده می کنندوهمین امر مانع‌رفتن آنها به‌مدرسه می شود. درعرض هفت سالی که‌مدرسه تاسیس‌شده، فقط ۳ نفر در کلاسهای بالاترتوانسته‌اندادامه‌تحصیل بدهند وبقیه‌درکارهای کشاورزی وکارگری مشغولند.

توسط معلمان روستاازاهالی برای تشکیل شورای ده‌دعوت‌شده‌است، ولی بعلت عدم آگاهی ازاهمیت نقش‌شوراوازطرف دیگربعلت دودستگی موجودواختلافاتی که‌ازریشه دوران طاغوت است، شوراهنوزموفق نبوده‌است.

مشکلات متعدد وبی توجهی مسئولین وفقدان اقدامات قاطع، فقرسیاه وجدال درونی وضع دشواری دراین ده بوجودآورده‌است.

باحل معضلات آنان، بویژه‌تامین آب و مطالعات محلی برای بهترین طریقه ازدیاد آب زراعتی وتشویق دامداری وخریدبموقع محصولات بتوان این زحمتکشان رابه‌انقلاب و آینده روستای خودسان امیدوارکردوجلوی مهاجرت به‌شهررا گرفت.

برای بهبودشرایط زندگی وکار، دهقانان این روستابایدبه‌حقوق صنفی خودآشنا شوند. تشکیل شورای ده برای تماس با مقامات مسئول، حل مسائل تولیدی وشیزتشکل درا تحادیه‌های دهقانی واحترازازدودستگی وجدالهای قدیمی وسیله‌ایست برای موفقیت آنان دررسیدن به حقوق خود.

تامین کاربرای کارگران بیکار، یکی ازنخستین وظایف دولت انقلاب است

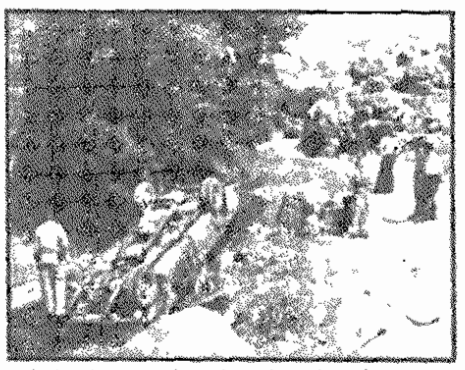

سدی و ناهمواریهای جاده‌های روستائی اغلب عامل بروز تصادفات و زیانهای ناشی از آن است. این عکس یک جادهٔ روستائی در بخش هوراند اهر را نشان می‌دهد که در آن‌چنین حوادثی کم اتفاق نمی‌افتد.

دهقانان کم زمین و بی زمین! باتشکیل کمیته‌های خود وباتکیه به‌پاسداران متعهدوافرادلسوزجهادسازندگی، به‌مسئولان دولتی کمک کنید، تاقانون اصلاحات ارضی سریعاوبسودشمااجراشود

www.iran-archive.com

چادرنشینان زیر پل هوائی:

تخلات فقر

تمام بدبختی‌های ما از آمریکاست

ـ اگر این انقلاب مستضعفان است، پس باید پیروز شود تا از حمتکشان از ثمرات آن استفاده کنند

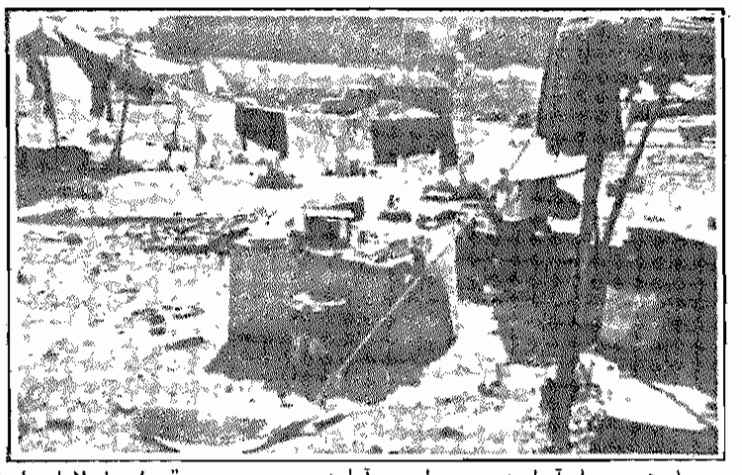

ـ بزرگترین آرزوی ما داشتن یک خانه است

سارهم‌سخن از آوارگی‌هستی است. آوارگی‌زحمتکشانی که سالهاست دربدرند و تنها آرزویشان داشتن یک سرپناه، و امیدشان به انقلاب.

سخن از چادرنشینان زیر پل هوایی، بیابان اطراف میدان آزادی است. زحمتکشانی در میدان آزادی در انتظار آزادی از ستم و استثمار...

در یک کیلومتری میدان آزادی، زیر تقاطع پل هوائی اتوبان طرشت و خیابان محمدعلی جناح، در محل احداث ترمینال، حدود ۳۰ چادر، آوارگان دردمندی را در خود پناه داده است.

اینها بسادگی دربدر شده‌اند. محمدرضای منفور ببرکت اصلاحات ارضی فرمایشی و بوسیله مزدوران خود، بتدریج روستاها را تعرف و روستانشینان را ساقط و بالاخره آوارهٔ شهرها کرد. آوارگان مهاجر این بار هم به تهران آمدند. سالها دربدری در اینجا و آنجا، و بالاخره ۶ ماهی است که زیر پل هوایی بیابان‌های اطراف میدان آزادی "زمینهای ترمینال، و زمینهای اوقافی" ـ چادرزده و بتماشا نشسته‌اند. با اینکه سرتاپا دردورنجاند، اما توقع زیادی از انقلاب ندارند: فقط نجات از دربدری.

از این ۳۰ چادر، ۸ الی ۱۰ تای آن متعلق به شیرازیها و کازرونی‌ها. پای صحبت یکی از بزرگسالان می‌نشینیم. واقعاً از علی علیزاده دردمندتر نمی‌توان صحبت کرد. در آوارگی، بی خانمانی، غربت و ناچاری:

"در اثر اطلاعات ارضی شاه مخلوع در فارس، فئودالها و خانهای طایفه ناصرخان و خسروخان قشقایی تمام اموال ما را صاحب شدند و ما را رعیت خودشان کردند. آنها ده علی آباد را تماماً "به تصرف خود درآوردند، و در نتیجه ما سعدا زمدتها دربدری و سرگردانی روبتهران آوردیم. الان حدود ۶ ماهی هست که در این بیابان جا در زده‌ایم. از راه دست فروشی، با فتن ستوهای محلی و فروش آنها، فعلگی و کارهای دیگر روزگار می گذرانیم. خانواده‌های ما هرکدام روزانه بین ۷۰٪ تا ۱۰۰٪ تومان عایدات‌شان می سود. اما با این گرانی و بدبختی زندگی ما خیلی برازگذشته مشکل تر شده است."

علیزاده، که چهره‌ای مسئول و مصمم و مملو از امید و اطمینان به انقلاب دارد، می‌گوید:

"باعث همهٔ بدبختی های ما آمریکا است. انقلاب ما درصورتی پیروز می شود که مردم همدیگر کمک کنند و متحد باشند."

به سراغ یکی دیگر از چادرنشینان می‌رویم:

اهل قهرمانشهر "کرمانشاه" است. خودش را رضائی معرفی می کند. مردی است تقریباً ۵۰ ساله. دارای ۱۱ سرعائله است. قبلاً در مرز ایران و عراق ساکن بوده است، که بخاطر ناامنی های ناشی از هجوم مزدوران رژیم بعث از ۲ ماه پیش به تهران و به این بیابان آمده است. رضایی هم خسته و اندوهگین است:

"پسرم احمد با ما بود. در سقز بدست گوله‌ها شهید شد ـ و درحالیکه اشاره به پسر کوچکی می کند ـ این هم پسر دیگرمن است. اسمش حیاتگیر است. ۱۰ سال دارد. مبتلا به بیماری سوختی است".

• تمام سینه و پشت و کمرحیاتگیر زخمی و متورم است. رضایی چنین ادامه داد:

"درحدود ۲۰ تا از این چادرها متعلق به مرزنشینان و اهالی بی چیزقهرمانشهر است، که به تهران آمده‌اند. زنهای ما درکنار چادرها با هیزم و چراغ نفتی غذا می پزند. و مردها از صبح تا شب به دنبال لقمه‌نانی در خارج از این چادرها مشغول دوندگی هستند. بعضی از آنها توانسته‌اند در یک شرکت سنگ بری با روزی ۱۱۰ تومان استخدام شوند. ولی شما را بخدا این روزها با ۱۱۰ تومان چکار می توانیم بکنیم؟ تا الان دو یا سه بار از طرف دولت و گویا دفتر امام و با مستضعفان به اینجا آمده‌اند و زمینها را خط کشی کردند که بین ما تقسیم کنند. اهالی چادرها هم ۱۰ نفر را انتخاب کردند که با مقامات صحبت کنند. اما خلاصه تا الان هیچ خبری نشده است. گاهی روزهای جمعه از طرف ارتش برای ما غذاهای آماده ـ غالباً "آش" ـ می آورند. گاهی هم مردم به ما گوشت قربانی می دهند."

رضائی می گوید:

"می دانم آمریکا دشمن ما است. ولی از امام و رئیس جمهور می خواهیم که در مملکت آرامش فراهم بکنند و بما کار و مسکن بدهند. ما آرزویی نداریم جز یک خانه‌ای که ما را از این همه بدبختی و دربدری نجات دهد. اینجا برای سلامتی زن و بچهٔ ما خطرناک است. مگس و پشه ما را امان نمی دهد. تهیهٔ آب برای ما یک بدبختی بزرگ است. اگر یکی مان خیلی بیمار شود، نه درمانگاه آریا شهر مراجعه می کنیم. اما آنجا هم ۵۰ تومان ویزیت می گیرند. ما هم که مرتب مریض می‌شویم، چون زباله‌ها را در اطراف همین چادرها می ریزیم. جای دیگری هم برای این کار نداریم. آخر اگر این انقلاب، انقلاب مستضعفان است، پس باید پیروز شود تا ما از ثمرات آن استفاده کنیم."

وضع خدمات عمومی چادرنشینان

چادرنشینان طبق گفتهٔ خودشان قبلاً" آب موردنیاز را بوسیلهٔ لوله‌کشی، از یک خانه در حدود ۵۰۰ متری محل چادرها تأمین می کردند. اما حون توانایی پرداخت قیمت سهمیه آب خود را به صاحب خانهٔ مزبور نداشتند، آب بر ویشان بسته شد. درحال حاضر مدتی است که آنها آب مصرفی خود را با سطل و بشکه‌های کوچک از سمت شرق، واقع در خیابان محمدعلی جناح تأمین می کنند. از برق هیچخبری نیست. وسیلهٔ روشنایی آنها چراغهای نفت سوز یا گازسوز است و رمانی هم با آتش زدن چوب و آشغال کورسویی بنام تاریکشان می بخشند.

بیشتر بچه‌های چادرنشینان حدود (۶۰ الی ۷۰ بچه) اصلاً" به مدرسه نرفته‌اند، و فقط چندتایی از آنها تا کلاس دوم و یا سوم ابتدایی درس خوانده‌اند.

جوان ۱۸ ساله‌ای به نام جامور رضایی، که امسال موفق به اخذ دیپلم شده و دست راستش در صبا رزه در دوران انقلاب برا ثر اصابت گلوله ناقص شده است، در ارتباط با اوضاع عمومی چادرنشینان می گوید:

"اینها حتی یک رادیوی باطری دار هم ندارند و بهمین جهت زیاد از اوضاع مملکت مطلع نیستند. ولی همه این را می دانند که اگر هرچه زودتر اقدامی در جهت بهبود وضع مسکنشان صورت نگیرد، با فرا رسیدن زمستان و ریزش برف و باران به سرنوشت به مراتب نکبت بارتری دچار خواهند شد."

وقتی از چادرنشینها سؤال می کنیم: آیا دوست دارید به زادگاه خود برگردید و روی زمینهای خودکار کنید، تقریباً" همه با تبسمی ناباورانه جواب می دهند:

"البته تهران بهتر است، ولی اگر سروسامان داشته باشیم، جه تهران و چه جای دیگر، فرق نمی کند. فقط از دولت می خواهیم به ما سروسامان بدهد."

در «کوره حسین نفتی»

هر روز حسین‌ها می‌سوزند

در "کورهٔ حسین نفتی"، هر روزه حسین‌ها می‌سوزند و می‌سازند، و هردم با این امید که انقلاب کوره آن‌ها را نیز در نوردد و زندگی بهتری را برایشان بنیاد گذارد.

محلهٔ "کوره حسین نفتی" به واقع به کوره می‌ماند. محله‌ای تنگ با چندین آلونک بودرتو و درهم فشرده، با سقف‌های گلی و چوبی و خلاصه هرچه بشود با آن سرپناهی ساخت. این محله که درزمینی که سابقا کوره بوده و اطراف آن هنوزهم بصورت گودخالی است، در خرابه فرح آباد سابق، پشت فلکهٔ سوم واقع شده است. در این به‌اصطلاح محله ۳۵ خانوار، که حدود ۲۰۰ نفر، زن و مرد و کودک می‌شوند، تنگاتنگ هم زندگی می‌کنند، زندگی کهنه، درهم می‌لولند. این‌ها قشری از میلیونها زحمتکش روستایی هستند که در اثر سیاست‌های نواستعماری و به‌اصطلاح اصلاحات ارضی شاه‌مخلوع، آوارهٔ شهرها شده‌اند و به‌علت فقدان تخصص به انجام کارهایی نظیر مستخدمی منازل، آدامس فروشی، ماشین شوئی و حتی گدائی پرداخته‌اند.

بیش از این، از کنار این محله سهرنزرگی عبور می‌کرد، که فاضلاب شهر در آن روان بود. درمواقع بارانی این فاضلاب به آلونک‌ها سرازیر می‌شد و به آنها صدمات بسیاری می‌زد. ۲ سال پیش روی این نهرکانالی زدند تا اصطلاح مردم را از شر فاضلاب راحت کنند، اما این کانال بالای که اطراف این کانال را فراگرفته‌است، تاثیری بیشتر از فاضلاب ندارد. درنتیجه مگس و انواع حشرات موذی در این محل بیداد می‌کند و بچه‌های این محله در معرض انواع بیماری‌ها قرار دارند. بچه‌هایی که اگر بیرون نیایند، در آلونک‌هایشان نیز امنیت چندانی در انتظار آنها نیست. سقف‌هایی که چکه می‌کند، دیرینه فروریزند.

آب اهالی "کوره حسن نفتی" از شیرهای آب عمومی تأمین می‌شود و بعد از انقلاب اهالی از تیرهای برق خیابان‌ها خود برق کشیده‌اند. پسر مردان که در این منطقه هستند، عملا بیکارند و همسرانشان با کار کردن در خانهٔ مردان نان بخور و نمیر خانواده را تهیه می‌کنند. خبرنگار "مردم"، که با یکی از زنان زحمتکش این محله گویی داشته‌است، می‌نویسد:

اسمش زیباکاظمی است. حدود ۳۷ سال دارد و ۱۲ سال، که در اینجا زندگی می‌کند. او می‌گوید:

"شوهرم بیکار است و بعضی مواقع یک جمعه میوه می‌خرد و می‌فروشد، که با پول آن فقط خرج سبکارش در می‌آید. ۶ فرزند دارم و برای اینکه خرج آنها را دربیاورم، هفته‌ای چند روز در منازل بالای شهر کار می‌کنم..."

زیبا آنگاه از خواسته‌هایش حرف می‌زند و می‌گوید:

"... قبل از هرچیز دلم می‌خواهد اختلافات در داخل دولت از بین برود، تا بتوانند کاری برای مردم انجام دهند..."

در حین حرف زدن وارد خانه او می‌شویم. زیراندازش یک گلیم پاره و چندگونی است. آلونکش پنجره ندارد و تنها از یک در کوچک و کوتاه نور به داخل اتاق راه می‌یابد. نفس کشیدن در این آلونک سخت است. زیبا می‌گوید:

" دلم می‌خواست دولت برای شوهرم کار ایجاد میکرد و به ما خانه‌ای مناسب برای سکونت می‌داد".

بعد از خداحافظی با خانم زیباکاظمی، به‌خانهٔ دیگری در همسایگی وی می‌روم. خانه متعلق به "علی مهدیزاده" است. چهل سال دارد و از روستاهای آذربایجان آمده است. بیکار است و فلج. روزها از بچه‌ها نگاهداری می‌کند. با زنش در خانه‌های بالاشهری خرج آنها را دربیاورد. ۸ بچه دارند که بزرگترینشان ۱۵ سال دارد. هیچکدام از بچه‌ها درس نخوانده‌اند. اتاقک علی هم تنگ است. هم نمور. زیراندازش آنقدر پاره است که به چشم نمی‌آید و چهره‌اش آنچنان چروکیده شده، که بکلی صورت وی را دگرگون کرده‌است. وقتی از خواسته‌هایش می‌پرسم، با آه سردی می‌گوید:

"هیچی ندارم. بدادکتک کنید. دیگر چه می‌توانم بگویم؟!"

خانم شهبازصباقی ساکن یکی دیگر از این آلونکها، که ۱۳ سال است جزبوی فاضلاب نشنیده و برخیزی جز گلیم پاره‌ای نارسیده‌است، می‌گوید:

"شوهرم مقنی است. ولی حالا بیکار است. خودم مجبورم در خانه‌های سال شهر رختشویی کنم تا خرج‌مان بگذرد..."

خواست او نیز مانند بقیه است. آیا وقت آن نرسیده است که انقلاب پاسخگوی این خواستها باشد؟

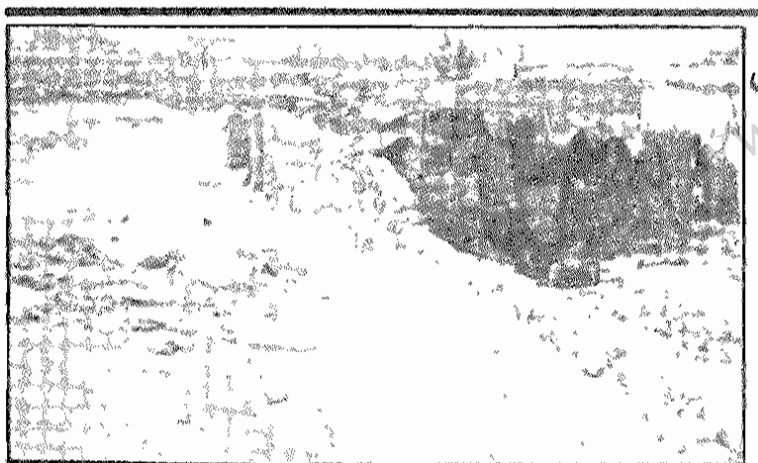

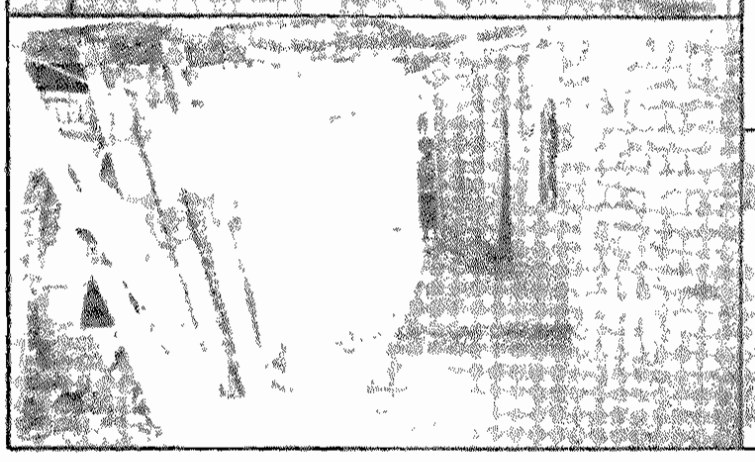

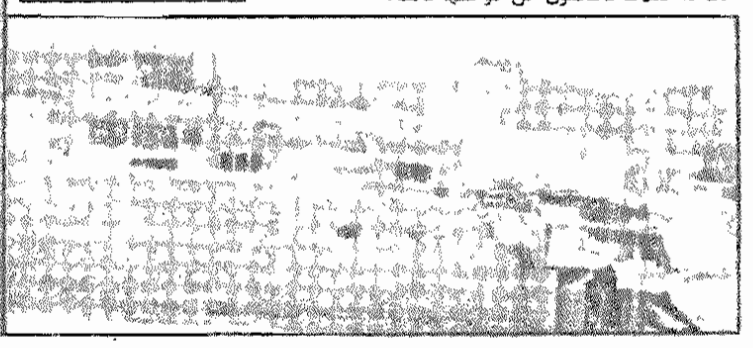

بیشتر مردان این محله بیکارند و تمامی زنان محله درخدمت بالاشهری‌ها

گرانی روزافزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

www.iran-archive.com

یادآوری‌هایی درباره آرایش طبقاتی در جامعهٔ کنونی ایران

جامعه شناسی علمی و انقلابی مارکسیستی به مسئله نظام طبقاتی جامعه اهمیت بسیار میدهد، زیرا افرادی که در یک جامعه زندگی میکنند، صرف نظر از عصر تاریخی خاص خود، به طبقه یا قشری متعلق هستند و در داخل چارچوب آن طبقه یا آن قشر میاندیشند و عمل میکنند و لذا به‌سخن لنین، انسانها در سیاست کند فهم باقی میمانند، اگر در پس اعمال و اقوال، محتوی و تعلق طبقاتی را کشف نکنند.

ماهیت هر انسانی عبارتست ازمناسبات‌اجتماعی که در وجود آن فرد انسان متمرکز و متبلور میشود و تاریخی و مختصات طبقاتی که در آئینه ویژگی‌های روحی آن فرد عکس‌انداخته است.

واژه "طبقه" در جامعه شناسی مارکسیستی‌دارای تعریف معینی است که با کاربست آزادانه و بی ـ مسئولیت این واژه در نزد غیر مارکسیستها فرق اساسی دارد. برای غیر مارکسیست فرقی بین معنای "طبقه" و "گروه" و "دسته" و "لایه" وجود ندارد. ولی جامعه شناسی مارکسیستی‌افرادجامعه‌رابرحسب رابطه آنها نسبت به وسایل تولید نعمات مادی، و جائی که‌آنها در داخل این دستگاه تولیدی‌دارند، و سهمی که از ثمرات این تولید بدست میآورند، و اینکه‌آیا بهره‌کش هستند یا بهره ده، مورد بررسی قرار میدهد و بر حسب اینکه نظام کلی اجتماعی کدام است، پدر سالاری است یا بردگی، فئودالی است یا سرمایه‌داری، طبقات هر نظام را جداگانه معین میکند، و بدینسان منظرهٔ بسیار متنوعی از طبقات در تاریخ بدست میدهد و انسان کلی و مجرد را به انسان مشخص مبدل میسازد، که دارای چهره روشنی است، و اعلام میکند که تاریخ ازآغاز پیدایش مالکیت خصوصی افزار تولید، تاریخ مبارزه طبقاتی بهره دهان و بهره‌کشان است.

علاوه بر "طبقه"، در تشریح ساخت طبقاتی جامعه، به واژه "قشر" بر میخوریم که با طبقه فرق دارد. قشرها (مانند قشر روشنفکران، قشرکارمندان، قشر روحانیون) در عین داشتن "وجه مشترکی"، که اعضاء آن قشر رابایکدیگرهمانندمیسازد، از جهت طبقاتی یکدست نیستند. مثلاً در قشر روشنفکران، ما به روشنفکرانی برخورد میکنیم که جزء بورژوازی‌یا خرده بورژوازی محسوبند، یا روشنفکرانی میابیم که از جهت موضعگیری اجتماعی خود نماینده زحمتکشانند. در داخل طبقات و قشرها، بر حسب قدرت اقتصادی یا نوع مشاغل، رشته‌ها و لایه‌ها و صنف‌ها وجود دارد، که تقسیم بندی مربوط به‌آنها البته مهم‌است، ولی به اهمیت اساسی تقسیم بندی جامعه به طبقات و قشرها نیست. مجموع این سیستم تقسیم بندیها را بایدتقسیم‌بندی طبقاتی‌جامعه‌نام نهاد.

یک مقالهٔ کوچک در روزنامهٔ ما جای‌مناسب‌برای غوطه‌زدن در جزئیات این تعریفها (که خود این جزئیات مسلما مهم است) نیست، و بهمین جهت توجه خود را معطوف آن میکنیم‌که در جامعه معاصر ایران آرایش طبقاتی چگونه است.

* * *

جامعه ایران اکنون در حال‌انتقال است و اگر بیش ازانقلاب، با اطمینان میتوانستیم این جامعه را یک جامعه سرمایه‌داری وابسته بنامیم (که در آن هنوز بقایای برخی نظامات ماقبل سرمایه‌داری، مانند پدر سالاری و زمین سالاری در ده و سهرباقی است)، اکنون دیگر نمیتوانیم خصلت عمومی نظام اجتماعی را معین کنیم، تا روند موسوم به‌"که‌برکه"، که هم اکنون در سیاست و اقتصاد جریان دارد، به سر انجامی برسد. لذا به اتکاء هویت‌پیشین این جامعه. ما این جامعه را طبق "قرارداد"، جامعه "سرمایه‌داری" حساب میکنیم و نظریات خود را بر آن مبدا متکی میساریم و می‌کوشیم تحولات جاری‌را نیز در مد نظر گیریم.

وقتی می‌گوئیم جامعه ایران، جامعه سرمایه‌داری است، این ابداً بدان معنی نیست که این یک جامعه خالص سرمایه‌داری، یا سرمایه‌داری پیشرفته است، که در آن دیگر وظائف انقلاب ارضی ضد فئودالی و ضد استعماری (برای استقلال سیاسی و اقتصادی کشور) مسئله تساء‌مین دمکراسی سیاسی و اقتصادی، مسئله رها ساختن جامعه از بسیاری مناسبات پدرشاهی (درعشایر) و ماقبل سرمایه‌داری (در کارگاهها و دکانهای پیشه‌وری) و غیره و غیره حل شده است. جنین دعوی، یک دعوی ابلهانه و سطحی است. لذا وظائف دمکراتیک سنگینی باقی است، و بهمین جهت انقلاب ما یک انقلاب دموکراتیک است و باید باشد و نه یک انقلاب سوسیالیستی. بهمین جهت چپ‌روهائی که این وظایف سنگین حل نشده و ضرورت اجراء وظائف دمکراتیک را نمی‌بینند، دچار اشتباه‌بزرگی‌هستند. با اینهمه، از آنجا که مناسبات مسلط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در شهر و حتی دراکثر روستاهای ایران دیگر مناسبات تولید بزرگ کالائی سرمایه‌داری است، ما جامعه ایران را تا هنگامیکه تحولات‌انقلابی جاری بالاخره راه رسد آنرا تعیین و مشخص کند در درون نظام سرمایه‌داری جای میدهیم وکیفیت‌عمده را ملاک میسازیم، نه کیفیت‌های فرعی و جنبی را، علیرغم همه اهمیت و وزنه‌ای که این کیفیت‌های فرعی و جنبی داراست.

اما در جامعه سرمایه‌داری ایران‌طبقات‌وقشرهای اساسی بقرار زیرین است:

۱. طبقه سرمایه داران (اعم از سرمایه‌داری وابسته با غیروابسته، قشر سرمایه‌داران ارضی را نیز در همین جا وارد میسازیم)،
۲. طبقه خرده‌بورژوازی،
۳. طبقه کارگر،
۴. جامعه دهقانانی که در نظام سرمایه‌داری خود از قشرهای مختلف تشکیل میشود.
۵. قشر روشنفکران،
۶. قشر کارمندان، افسران و گروهبانان،
۷. قشر روحانیون،
۸. قشر زحمتکشان غیر پرلتاری یا مستمندان شهری،
۹. عناصر و افراد بی‌طبقه و پرولتاریای ژنده پوش (لومپن).

اینک درباره هریک از این طبقات یا قشرها به اختصار توضیح میدهیم:

۱. طبقه‌سرمایه‌داران (یا بورژوازی): طبقه سرمایه‌دار مالک‌وسایل‌تولیداست، ولی‌درروندتولید شرکت بلاواسطه نداردوزحمتکشان‌رامورد‌بهره‌کشی قرار میدهد. رشته‌هاولایه‌های‌مختلف سرمایه‌داران را از چند جهت میتوان معین کرد:

الف ـ از جهت عرصه اساسی عمل: مانند صنعت، بانکداری، کشاورزی (اعم از دامپروری، کشت، باغبانی، بستانکاری و غیره)، بازرگانی (اعم‌ازصادراتی‌وواردراتی‌وغیره). لازم به تصریح است که‌مادرشرایط کنونی‌سرمایه‌داری‌ایران، دیگر با یک طبقه‌مستقل‌مالک فئودال یا نیمه فئودال روبرو نیستیم، بلکه میتوان این طبقه سابق‌را که درحال زوال هست اکنون‌قشری از سرمایه‌داران، یعنی زمینداران بزرگ بحساب آورد.

ب ـ از جهت‌حجم‌سرمایه: مانند سرمایه‌داران بزرگ، متوسط‌و کوچک.

در داخل هرلایه‌ای میتوان بازهم گروه بندیهای همگونی یافت و تقسیم بندیهائی بر حسب نوع‌شغل و مشخصات همانند دیگر انجام داد.

نکته مهم اینجاست که بسیاری از سرمایه‌داران بزرگ کشور ما با سرمایه‌داری جهانی در آمیزی‌یافته بودند، ولی البته این بدان معنی نیست که این درآمیزی تنها در بخش سرمایه‌داری بزرگ بود و در لایه‌های دیگر انجام نگرفته بود. اتفاقاً سیاست امپریالیسم و رژیم گذشته این بود که بر میزان درآمیزی سرمایه داخلی (ولو متوسط و کوچک) و آنهم در همه عرصه‌ها که در بند الف ذکر کرده‌ایم با سرمایه خارجی بیافزاید.

نکته مهم دیگر آنست که سرمایه‌دار کوچک مانند بازرگان کوچک (کسبه و مغازه داران) یا صرافان کوچک، یا صاحبان کارگاههای کوچک، با خرده ـ بورژوازی از دید صرفا اقتصادی فرق دارند. مثلاً یک کاسب کوچک به‌لایه‌بازرگانان‌از (طبقه سرمایه‌ـ داری) متعلق‌است و خرده بورژوا نیست، اگرچه‌از بسیاری شرایط، مانند شیوه تفکر و معیشت همانند خرده بورژوازی باشد. این مخلوط کردن مفاهیم سرمایه‌دار کوچک با خرده بورژوازی، از لحاظ اشکالات زبانی، در زبانهای اروپائی شده است و لازم است توجه را بدان جلب کنیم. در فارسی ما میتوانیم "بورژوازی کوچک" را از جهت اقتصادی غیر از "خرده بورژوازی" بشمریم، اگر چه از جهت اجتماعی، سیاسی، روحی و فکری بین این دو تفاوتی در جامعه نیست.

۲. طبقه خرده بورژوازی ـ طبقه خرده بورژوازی مالک وسایل تولید است و خود در تولید شرکت دارد و در عین حال از نیروی کار دیگران نیز بهره‌کشی میکند. خرده بورژوازی را به سنتی (مانند آهنگران، سراجان، خیاطان، نجاران، کفاشان وغیره) وامروزی (مانند صاحبان کارگاههای کوچک ماشین‌های یدکی سازی، که خود نیزدر آن بکارمشغولند) میتوان‌تقسیم کرد. به خرده‌بورژوازی مسلماً" باید قشر بر عده دهقانان میانه حال رانیز افزود و این مطلبی است که در بحث از دهقانان آنرا بیان خواهیم داشت.

از آنجا که در قشرهای روشنفکر و کارمندوروحانی و نظامی و نیز، چنانکه گفتیم، درلایه‌های‌بورژوازی کوچک، بخش‌مهمی‌دارای‌شرایط زندگی‌وتفکرخرده‌ـ بورژوازی هستند، لذا این طبقه و متعلقان و همانندان وی در جامعه ما از جهت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی وزنه‌ای بسیار سنگین هستند، و در واقع آنها هستندکه فضای اجتماعی را پدید میآورند. با آنکه خرده بورژوازی عنصر مهم مرکبه مفهوم "قشرهای متوسط" است، ولی چهار چوب قشرهای متوسط‌از خرده‌بورژوازی وسیعتر است.

۳. طبقه کارگر یا پرولتاریای صنعتی طبقه‌ای است که فاقد وسایل تولید است، ولی خود به امر تولید صنعتی اشتغال‌دارد‌واحدی‌نیز مورد‌بهره‌کشی او نیست. لذا پرولتاریای صنعتی، که با اشکال مترقی تولید مربوط است و استثمار میشود، ولی استثمار نمیکند، پیشروترین طبقه جامعه است.

همه مزدبگیران زحمتکش، که نیروی کار خود را در معرض فروش قرار میدهند، پرولتاریای صنعتی نیستند، ولی شرایطی همانند پرولتاریا دارند، مانند کارگران جاده‌ها و ساختمان، کارگران راه‌آهن و ارتباط، شاگردان دکانها و کارگران کارگاههای سنتی مانند قالی بافی و نساجی سنتی، کارگران کشاورزی، کارگران خدمات و غیره.

معمولاً" همه این لایه‌ها را در آمار کارگران‌جامعه وارد میکنند و مجموع آن، همواره با کارگران‌موسسات صنعتی، سپاه بزرگی را بوجود میآورند و وارد در ترکیب طبقه کارگر بمعنای عام این کلمه میشوند.

در کشور ما بخش مهمی از طبقه کارگر در فضای خرده بورژوائی و قشرهای میانگین زیست میکند و روند تبلور آگاهی ویژه‌اش هنوز خاتمه نیافته است.

۴. دهقانان ـ دهقانان در جامعه‌سرمایه ـ داری، دیگر مانند جامعه فئودال یک‌طبقه‌نیستند، بلکه خود "جامعه روستائی" را بوجود میآورند. در رژیم ارباب ـ رعیتی، دهقانان بنام "رعیت" یکپارچه بودند و رحمتکشانی بودند که در ده و عشیره، اربابها و خانها آنها را مورد استثمار وحشیانه قرار میدادند. ولی در سرمایه ـ داری، "رعیت" در معرض "قشربندی "قرار میگیرد و به قشر بورژوازی ده (دهقانان مرفه) و قشر خرده بورژوازی ده (دهقانان میانه‌حال) و قشر نیمه پرولتاریای ده (دهقانان بی‌زمین و کم زمین) و قشر پرولتاریای ده (کارگران کشاورزی، که نیروی کار خود را میفروشند و برای بزرگ مالکان و دهقانان مرفه و میانه حال کار میکنند) تقسیم میشوند.

البته این تقسیم بندی را نمیتوان و نباید بشکل قالبی بر روستای‌ایران انطباق داد، زیرا جامعه دهقانی ایران هنوز در حال انتقال است و نمیتوان گفت‌که مختصات اجتماعی فئودالی در آن‌بکلی‌برچیده‌شده‌ویا سرمایه داری توانسته است روند قشربندی را به سرانجام برساند. اما روند قشربندی و تحول در جامعه دهقانی، روندی است جدی و همه روزه. به سخن دیگر، در حالیکه جامعه روستائی در ایران بشیوه‌سرمایه‌داری آن بوجود آمده و قشربندی صورت گرفته و میگیرد، بقایای نظام فئودالی در زمینه‌های مختلف کماکان در روستای کشور ما دیده میشود.

جامعه عشیرتی، که تولید عمده اش دامداری است، به جامعه دهقانی مشابهت کامل دارد. با آنکه‌رسوم پدرسالاری وفئودالی‌درعشایربمراتب قویتر از ده باقیمانده است، با اینحال در آنجا نیز مدتهاست که قشربندی صورت گرفته، منتها بجای "زمین"، در اینجا باید مسئله مرتع و بنه، یعنی "دامها" (مانند گاو و گوسفند و بز) را مورد توجه قرار داد.

۵. قشر روشنفکران ـ قشر روشنفکران به کسانی اطلاق میشودکه با کار فکری خود زندگی میکنند، مانند پزشکان، معلمان، هنرمندان، مهندسان، وکلا وغیره. تعلق‌طبقاتی‌قشرروشنفکران، چنانکه گفتیم، میتواند بسیار گوناگون باشد. البته این امر غالباً بوضع مادی و مناسبات طبقات اجتماعی آنها مربوط‌است، ولی این شاخص عمومیت مطلق ندارد. معلمان ده و دبستانها را معمولاً" پرولتاریای" روشنفکران‌مینامند. دانشجویان را بمثابه لایه‌ای در قشر روشنفکران وارد میکنند، با آنکه هنوز استقلالی نپذیرفته‌اند. پزشکان و وکلای عدلیه را روشنفکران دارای‌مشاغل آزاد و مهندسان را روشنفکران فنی و شاعران و نویسندگان و نقاشان و موسیقی دانها و معماران و پیکره سازان وهنرپیشگان تئاتر و سینما را روشنفکران هنری نام‌داده‌اند.

برای کشورهای رشد یابنده‌ای مانند کشور ما، این قشر، که منبع کادر علمی و فنی و هنری است، دارای اهمیت بسزائی است.

۶. قشر کارمندان ـ برخی ها قشر کارمندان را هم لایه‌ای از روشنفکران میدانند، ولی آنها دارای خصوصیت‌مشترک شرکت در کار اداری (اعم از خصوصی و دولتی) یعنی "پشت‌میز نشین" هستند، که‌آنها را از روشنفکر بمعنای اخص کلمه‌جدا میکنند.

کارمندان را به لشکری و کشوری تقسیم میکنند. قشرهای بالائی کارمندان از راه قدرت دولتی ثروتهای هنگفت بهم میزنند و صاحبان سرمایه بوروکراتیک و تکنوکراتها نام‌دارند. قشر های پائین دست کارمندان (مانند پیشخدمتان و فراشان و قراولان و غیره) گاه شرایطی نظیر پرولتاریا دارند و با آنها اشتراک منافع مییابند. در کارمندان‌لشگری معمولا لایه افسران را از درجه‌ـ داران جدا میکنند و بین ارتش،که تنها دارای نقش تضییقی نیست از سوئی، و قوای تضییقی (پلیس، ژاندارم، مامور امنیت) از سوی دیگر تفاوت قائل میشوند. سربازان وظیفه همان‌دهقانان و کارگران در جامه سربازی هستند و به طبقات اصلی خود تعلق دارند.

۷. قشر روحانیون ـ قشر روحانیون خدام دین و مجری و راهنمای دستورهای شرع هستند و بر حسب موضعگیری اجتماعی، موقعیت آن‌ها فرق میکند. روحانیت فقیر و طلاب و بسیاری‌ازمدرسین حوزه های علمیه با خلق زحمتکش زبان مشترک مییابند و روحانیت غنی (که گاه خود از مالکان و سرمایه‌داران بزرگ‌هستند)، از طبقات بالاتر جامعه حمایت میکنند و لذا از جهت موضعگیری اجتماعی یکدست نیستند.

قشر روحانیت با قشر روشنفکران، از جهت اشتغال به علم و تحصیل و تدریس و خلق آثار، شباهت اجتماعی فراوان دارند و بهمین جهت امام همیشه از "قشر روحانی و قشر دانشگاهی" صحبت میکند.

۸. مستمندان شهری ـ مستمندان شهری یا عناصر ماقبل پرولتاریا (پلب) یا فقرا و تنگدستان هنوز در جامعه ما بسیارند و کسانی هستند که شغل معینی ندارند و با انواع زحمات غیر متخصص و غیر ماهر و "کارهای سیاه" در رشته‌های مختلف، رزق روزانه خود را بدست میآورند. نساجان و قالی‌بافان شاغل در کارگاههای سنتی و شاگردان دکانهای پیشه‌وری، یکی از مهمترین لایه‌های مستمندان شهری هستند، که چنانکه گفتیم، باید بحساب ارتش پرولتاریا وارد شوند، ولی دارای خصلت ما قبل پرولتری هستند. بیکاران آشکار و پنهان در شهر و ده در جامعه ما، که گاه به شغلی تصادفی مشغول میشوند، به همین گروه مستمندان شهری تعلق دارند.

۹. عناصر بی‌طبقه‌وپرولتاریای‌ژنده‌پوش ـ عناصر بی‌طبقه (که چهره‌خاص طبقاتی خود را از دست داده‌اند) و افراد طفیلی (مانند دزدان) و ژنده پوشان (مانند گدایان) همانست که در فارسی معاصر به لفظ "لومپن" معروف شده است، که صحیح آن "لومپن پرولتاریا" است.

این کلمه در زبان آلمانی یعنی پرولتاریای ژنده پوش. لومپن ها میتوانند آلت دست طبقات فوقانی نیز قرار گیرند و خود را به کسانی که عوامل اصلی بدبختی آنها بوده‌اند، بفروشند و علیه قشرهای دیگر جامعه وارد میدان‌شوند.

این بررسی سریع ساخت طبقاتی در جامعه ایران نشان میدهد که چه اندازه منظره طبقاتی جامعه ما متنوع ورنگین است. باید یادآورشویم که در جامعه ایران در اثر نوعی حرکت انتقالی از فئودالیسم به سرمایه‌داری، واخیرا در اثر انقلاب از سرمایه‌داری به نوعی راه رشد غیر ـ سرمایه‌داری، آشفتگی و بی‌شکلی (آمورفیسم) طبقاتی پدید شده، که در آگاهی سیاسی ـ اجتماعی مردم منعکس است و موجب محو مرزبندی صریح بین طبقات و قشرهای اجتماعی شده است. این بی‌شکلی و آشفتگی مستقیما به هرج و مرج و نوسان و بی‌ثباتی بزرگی راه داده است که اکنون در جامعه ما دیده میشود و کار نضج حوادث سیاسی را دشوار میسازد و بدیده "بی‌طبقگی" و نوسانات ناشی از آنرا تشدیدکرده است.

با اینحال داشتن دستگیره های مشخص طبقاتی میتواند ما را در این انبوه درهم و برهم بگونه‌ای هدایت کند، تا از محتوی آرایش سیاسی در جامعه بهتر سردرآوریم.

www.iran-archive.com

سند وابستگی «قاسملو» به بعث عراق

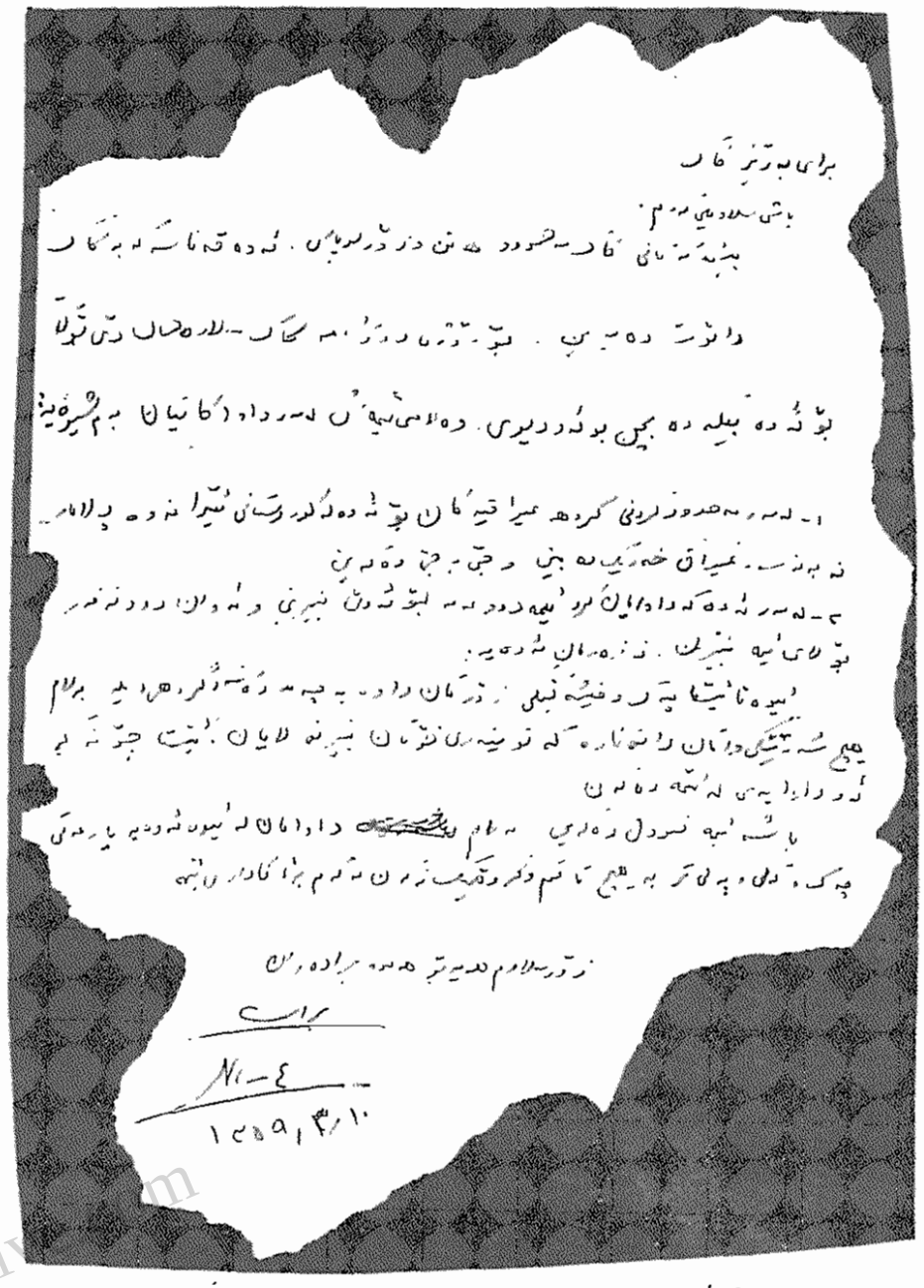

ترجمهٔ نامه

برادرگرامی...!

پس از سلامهای گرم

پیشمرگهای کاک محمود آمدند. خیلی ممنون. اینهم "قه‌ناسه" که بوسیلهٔ کاک... برایت می‌فرستم. روز دوشنبه کاک ملارحمان نزد ما می‌آید تا با هم به آنسوی مرز بروید. جواب ما هم درباره تقاضاهای آنان بدینقرار است:

۱- درمورد محدود کردن گروههای عراقی تا از طریق کردستان به عراق حمله نکنند، ما فعالیت می‌کنیم و درستش می‌کنیم.

۲- درمورد تقاضایشان که ما دو نفر را به آنجا بفرستیم و آنان نیز دو نفر نزد ما بفرستند، نظر ما اینست: شما تاکنون اسلحه و مهمات زیادی به جنددسته و گروه داده‌اید، اما چنین شرطی که نماینده خودتان را نزد آنان بفرستید، برایشان نگذاشته‌اید. حال چطور شده که این تقاضا را از ما دارید؟ با سد ما قبول می‌کنیم، اما تقاضایمان از شما اینست که به گروههای دیگر کمک تسلیحاتی و غیره نکنید، مگر با اطلاع ما.

برای برادران سلام زیاد دارم

برادرت
قاسملو
۱۳۵۹/۳/۱۰

سند وابستگی

دنبالهٔ از صفحهٔ ۱

این سند افشاگر و رسوا کننده، که آشکارا از چهرهٔ سالوس مزدورانی چون قاسملو پرده برمیدارد، بار دیگر هشدارهای مکرر حزب توده ایران را به نیروهای صدیق خلق گرد، امید می‌کند.

مزدوران ریاکاری که زیر برچم دفاع از حقوق خلق کرد سینه می‌زنند، ولی در نهان با دشمنان تشنه به خون خلق کرد و انقلاب ایران، تا ملهٔ می‌کنند و در قبال عنوان و موقعیت "نوکر ذلیل"، خون خلق کرد و دستاوردهای انقلاب ایران و مبارزات خلق کرد را، به بازی میگیرند و بیقه می‌نهند، دشمنان خلق کرد اند و خلق کرد اگر بخواهد در پیوند با دیگر خلقهای ایران، به امپریالیسم جنایتکار آمریکا و رژیم بعث عراق، بسوی پیروزی و کسب حقوق حقهٔ خود گام دارد، باید این مزدوران ریاکار را از صفوف دفاع طعانه براند.

این سند هشداری دیگر به نیروهای صدیق خلق کرد است تا ماهیت وابستگانی چون قاسملوها را از ورای ادعاهای پوچ آنان تشخیص دهند و قاطعانه به جبههٔ انقلاب ایران علیه توطئه‌های بعث عراق و امپریالیسم آمریکا بپیوندند.

جامعه در انتظار تفاهم...

بقیه از صفحهٔ ۱

بهمین جهت هم هیچ فردی در هر مقامی باشد، نباید بسنداردباحسین و انمودسازد که آمریکا دشمن او است و هدف توطئه‌ها و تحاورها براندازی این یا آن فرد یا مقام است.

واقعیت همین است. آمریکا از انقلاب را غه‌نشینان سیلی سخت خورده و همه عوامل و عمال خود را، از راهها و به وسائل گوناگون به عمل ضدانقلابی واداشته است.

وظیفه هرکسی که در هواداری از انقلاب و در حمایت از جمهوری اسلامی ایران صادق باشد حرا این نیست که، بر همه دوگانگی‌ها، اختلاف‌ها، تضعف‌های متقابل، طعنه‌ها و اتهام‌ها - در آنجا که به منافع فردگرایانه یا گروه‌گرایانه مربوط می‌شود، نقطه‌ها پایان بگذارد و بخاطر آنچه عمده و اساسی است، دست از خودمحور بینی‌ها و خودتنهایی‌ها... انتظاری‌ها بشوید و به ندای وحدت طلبانه امام پاسخ مثبت و عملی و فوری دهد.

پاسخ مثبت، اگر در عمل تائید و تاکید نشود و اگر تا خبر شود و با تعلل صورت گیرد، بجایی نخواهد رسید. سرنوشت انقلاب‌ها گاه در زمانی کمتر از هفته و روز تعیین می‌شود. این را نباید فراموش کرد. انقلابهای اجتماعی تنها با حرف و در ظاهر تحکیم شدنی نیست. این را هم نباید فراموش کرد. عمل مثبت، و فوری در جهت اتحاد همه نیروهای صدیق انقلابی و در خط امام ضروری است. مسئولیت ویژه‌ای در این رهگذر بر عهده کسانی است که مسئولیت‌های مملکتی را در دست دارند و قوای مختلفه کشوری را رهبری می‌کنند یا در آن مشارکت دارند. آنها باید هرچه زودتر، در عمل به پیام امام پاسخ مثبت گویند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران بلافاصله پس از عقیم شدن توطئه سوم گودتای ۱۸ تیر، در اعلامیه‌ای اهمیت تفاهم اصولی و انقلابی بین همه مسئولان امور و احتراز از دسته بندیها و تشدید اختلافها را خاطرنشان ساخت و گفت که تا چه اندازه این روند به زیان انقلاب و بسود توطئه‌های سیاسی و خطرناک ضدانقلاب است. بخصوص باید توجه داشته باشیم که در هر دو جانب اشخاصی - بقایی وار - در صدد گل آلود کردن آب هستند، تا امپریالیسم ماهی بگیرد. از یک سو دسته‌ای زیر نقاب لیبرالهای بجان آمده از انقلاب و از سوی دیگر گروهی با لباس مائوئیست‌های مسکوک و "سه جهانی" وغیره هیزم بیار معرکه شده‌اند. بازار دوبهم زنی چنان گرم و جنگ چنان مملو شده، که دشمن اصلی گاه از نظرها ناپدید میشود یا کوشش می‌شود که ناپدید شود، و اگر هشدارهای موقع و مکرر امام نمی‌بود و اگر دسائس و توطئه‌های خطرناک خود ضدانقلاب نمی‌بود، اینان از یاد می‌بردند که چه گرگ‌هاری دندان برای انقلاب و ایران تیز کرده است.

کمیته مرکزی حزب ما با در نظر گرفتن حساسیت وضع و ضرورت تفاهم اصولی بر سر مواضع انقلابی بود که هرگونه اقدامی را برای ایجاد این چونه هم و طرد کامل محیط بر سنج اختلاف - که متاسفانه هنوز هم موجود است - ضرورت و حیاتی دانست. کاملاً روشن بود که اگر طرفیان یا آنس بیاران امکان نمی‌دهند که این تفاهم ضرور حاصل آید، آنگاه برای حل مسالهٔ بی‌سنگ، کلام سرنفوذ امام لازم خواهد آمد.

و اینک این کلام با صراحت تمام و با دقت، بطوریکه برای هیچ کس و هیچ مقامی جای شبهه و تردیدی باقی نماند، بیان گردیده است. حلقه اساسی در سلسله زنجیر تدابیری که باید برای نجات انقلاب اتخاذ گردد، در تفاهم اصولی بین مسئولان امر و صاحبان مسئولیت در قوای سه‌گانه کشور تشخیص داده شده است. و نخستین اقدامی که میتوان در عمل و به فوریت در جهت پاسخ به این کلام امام انجام داد، عبارتست از تعیین نخست وزیر و تشکیل دولت برسالوده یک رسته اصول، که انقلاب را تحکیم بخشد و ریشه‌های امپریالیسم و بهره‌کشی سرمایه داری را بخشکاند و "راغه‌نشینان" را، که نتوانستند آن سیلی محکم و گنج کننده را بر بناگوش امپریالیسم، بزرگ‌ترین امپریالیسم امریکا بزنند، به آرمانها و هدفهای خلقی‌شان برسانند.

تنها از این راه - بعقیده ما - میتوان و باید به کلام سرنفوذ امام - که جامعه ما در انتظارش بود - پاسخ داد و مسئولین تنها با این جواب مثبت، عملی و فوری میتوانند صداقت و اصولیت خود را در سروی از خط امام نشان دهند - چیزی که جامعه ما در انتظارش است.

بی‌هیچ تردیدی پاکستان...

بقیه از صفحهٔ ۱

وابسته به امریکا و در اختیار اوست. همچنین امریکا به عربستان سعودی امر کرده است که به پاکستان برسد و به همین جهت عربستان از نظر مالی کمک فراوانی به پاکستان میکند. مقالاتی هم که در پاکستان بر علیه آمریکا پخش میشود، به سدت سانسور میشود، اما برعکس مقالاتی که بر علیه ما پخش میشود آزاد است.

روزنامه‌های پاکستان هم ۹۹٪ از ما کمتر حمایت میکنند و علت آن این است که درگذشته تمام این روزنامه‌ها بازخرید رژیم سابق بود و هنوز هم بعضی از روزنامه‌ها عکسهایی از خانواده شاه مخلوع را چاپ میکنند و در مورد فضایل آنها قلم میزنند. اصولا چون پاکستان کشور فقیری است، در مقابل پول خیلی حساسیت نشان میدهد. بطور کلی وضع پاکستان نیز متشنج است و آبستن یک انقلاب است

س: به چه دلیل پاکستان را آبستن انقلاب می‌بینید؟

ج: گفتم که وضع حکومت آنکونه است و روحیه مردم هم مثل او اخر حکومت شاه را می‌ماند. مردم در مقابل حکومت جبهه گرفته‌اند و در کشور یک حالت ساتسور و رعب و خفقان حکمفرماست. مردم از سنی و شیعه همه با انقلاب ما هستند و خود دستگاه حکومت هم در دست امریکاست، منتهی با دوروئی و تظاهر به اسلام از انقلاب ما تمجید می‌کنند و آن هم از ترس مردم است علمای شیعه آنجا فعالیت می‌کنند مدرسه طلبگی آنجا به چاپ رزبان مجله پخش میکنند و انقلاب ما را معرفی می‌نمایند. اما به علت اختناق حاکم این مجلات در مدرسه پخش می‌شود. زمانی که ما در پاکستان بودیم، علمای شیعه از مردم خواستند که جهت اعتراض به حکومت و محترم شمردن حقوق اقلیت‌ها در راولپندی و اسلام آباد تحصن کنند. آنها میگویند که ما ۳۵ میلیون شیعه هستیم، میخواهیم فقه جعفری - فقه شیعه را تدریس کنیم با این همه من فکر می‌کنم پاکستان بزودی زود منفجر میشود.

سفارت پاکستان وظایف لانهٔ جاسوسی را انجام می‌دهد

اعلامیه شماره ۵ نهضت انقلاب اسلامی پاکستان به این شرح انتشار یافت.

یک روز پس از انتشار اعلامیه شماره ۴ نهضت مبنی بر واگذاری وظایف لانه جاسوسی آمریکا به سفارت پاکستان در ایران، سفیر پاکستان بدستور دولت متبوع خود وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران را تلویحا تهدید مینماید، درصورت پیگیری دولت جمهوری اسلامی ایران درمورد این مسئله، پاکستان در روابط خود با ایران تجدید نظر خواهد کرد.

نهضت انقلاب اسلامی پاکستان ضمن تاکید بر اینکه سفارت پاکستان وظایف لانهٔ جاسوسی را در رابطه با عوامل ضدانقلاب از طریق جاسوسان سازمان سیا انجام می‌دهد، مجددا توجه دولت ایران را به این موضع جلب نموده و خواستار پیگیری و اقدام فوری در این زمینه میباشد

گروههای وابسته به سفارت با چهره‌ای ظاهرا اسلامی عملا بدستور عوامل سیا تیشه به ریشه اسلام زده و اطلاعات لازم را از طریق سفارت در اختیار اربابان خود قرار میدهند. نهضت به خود لازم میداند، پرده از چهرهٔ کریه این گروهها برداشته و ماهیت پلید آنها را بر ملت مسلمان ایران و پاکستان افشاء و رسوا کند.

سفارت پاکستان بوسیله یکی از عوامل خود اخبار و اطلاعات لازم را در اختیار سازمان خبرگزاری یو.پی.آی که یکی از بزرگترین خبرگزاری‌های آمریکا در ایران بوده و بوسیله یک پاکستانی اداره می‌شده، قرار میداد و پس از اخراج رئیس یو.پی.آی و بسته شدن خبرگزاری مذکور توسط دولت جمهوری اسلامی ایران، سفارت پاکستان این امر را کماکان از طریق دیگری ادامه میدهد

یکی از فعالترین جاسوسهای امپریالیسم آمریکا در ایران تحت عنوان دبیر کل سازمان عمران منطقه‌ای، بنام آقای مختار مسعود، با ایجاد یک شبکه جاسوسی با عوامل ضدانقلابی در ایران در ارتباط نزدیک بوده و بنفع آمریکا فعالیت می‌نماید ضمنا گروه دیگری وابسته به سفارت و طبق نظر مستقیم آقا شاهی خائن در فعالیت میباشند و وظیفه اصلی‌شان ایجاد و پخش شایعات درونی بنفع ضدانقلاب میباشد

نهضت انقلاب اسلامی پاکستان ضمن محکوم کردن فعالیت این گروههای کثیف به رژیم سلیدضیاء الحق و مسئولین مزدور او در سفارت پاکستان شدیدا اخطار میکند، درصورتیکه حداکثر ظرف مدت یکماه به فعالیت این گروهها در ایران خاتمه ندهند، مسئولیت هرگونه عواقب وخیم ناشی از این امر متوجه خود آنها خواهد بود.

والسلام علی من اتبع الهدی
نهضت انقلاب اسلامی پاکستان

هشتم مرداد ماه ۱۳۵۹ برابر با ۲۹ جولای ۱۹۸۰

اعلامیه‌های شماره ۴ و ۵ نهضت انقلاب اسلامی پاکستان درمورد فعالیت سفارت رژیم ضیاء الحق در ایران، که پس از اشغال جاسوسخانهٔ امریکا در تهران، وظیفهٔ وابستگی رژیم پاکستان به امریکا و فعالیتهای جاسوسی سفارت آمریکا را در تهران به عهده گرفته، و نیز نقشی که آقا شاهی وزیر امور خارجه پاکستان در این فعالیتهای جاسوسی امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران دارد، و یا همچنین مصاحبه حجت الاسلام صادق احسانبخش در مورد وابستگی رژیم پاکستان به امپریالیسم آمریکا، موید اظهار نظر و ارزیابیهای رسانه‌های گروهی و اکثریت مطبوعات ایران در مورد ماهیت ضدخلقی رژیم ضیاء الحق و وابستگیهای آن به امپریالیسم امریکاست.

نامهٔ "مردم" ارگان مرکزی حزب توده ایران، در مقالات و تحلیلهای خود، دربارهٔ روابط ایران و پاکستان و ماهیت رژیم حاکم بر پاکستان و نقش آن در توطئه‌های امپریالیستی علیه جمهوری اسلامی ایران، بارها روی این مطلب تاکید کرده است که رژیم وابسته و سرسپرد ژنرال ضیاء الحق به امپریالیسم آمریکا نمیتواند متحد جمهوری اسلامی ایران و طرفدار و پشتیبان انقلاب ایران باشد. اما متاسفانه و با کمال تعجب مسئولان وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی و شخص آقای صادق قطب زاده دربارهٔ رژیم ضیاء الحق از نظریات دیگری پیروی کرده و در مواضع همکاری نزدیک با این رژیم قرار گرفته‌اند آقای صادق قطب زاده، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، بخاطر توجیه مواضع نادرست و ارزیابیهای ذهنی خود در بارهٔ ماهیت رژیم پاکستان، به دفاع از ماهیت رژیم ضیاء الحق پرداخته و در مصاحبه‌های مکرر مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی خود منکر وابستگی رژیم پاکستان به امپریالیسم امریکا شده است.

اینک که ماهیت رژیم پاکستان و وابستگیهای عمیق آن به امپریالیسم آمریکا و فعالیت سفارت پاکستان در ایران که وظایف جاسوسی سفارت آمریکا را به عهده گرفته و اخبار و اطلاعات جاسوسی را در اختیار منابع امریکایی قرار میدهد و نیز نقش آقا شاهی وزیر امور خارجه پاکستان که رهبری این فعالیتهای جاسوسی علیه جمهوری اسلامی ایران و بنفع امپریالیسم آمریکا را بعهده دارد، بیش از پیش افشاء گردیده، مسئولان وزارت امور خارجه ایران و شخص آقای صادق قطب زاده مواضع نادرست خود را در روابط با پاکستان و رژیم دست نشانده ضیاء الحق چگونه توجیه می‌کنند؟

صرفنظر از هرگونه توجیهی، آنچه برای مردم ایران مسلم است، اینست که منابع اتخاذ چنین مواضعی، که با رهنمودهای صریح رهبر انقلاب ایران در زمینهٔ مبارزه علیه امپریالیسم امریکا و هدف ضد امپریالیستی انقلاب شکوهمند مردم ایران مغایرت کامل دارد، به زیان منافع و مصالح انقلاب ایران و عملا بسود دشمنان انقلاب ایران و امپریالیسم امریکا تمام شده است.

www.iran-archive.com

هیروشیما را از یاد نبریم

اجازه ندهیم هیروشیماهای دیگری بوجود آید

سی‌وپنج سال پیش از این، امپریالیست‌های آمریکایی نخستین بمب هسته‌ای را برسرمردم هیروشیما فروریختند. این بمب علیه هدفهای نظامی بکار نرفت. هدف ضربه این بمب توده‌های کثیر مردم بود. مردان، زنان، کودکان خردسال، سالخوردگان ناتوان وبیماران رنجور کنج بیمارستانها در معرض سوختن، کباب شدن وزغرکش شدن قرار گرفتند. ده‌ها هزار تن از مردم هیروشیما درهمان لحظات نخست نابودگردیدند، سوختندوجزغاله شدند. ده‌ها هزار نفردیگردچار هزاران عوارض دردانگیزناشی از تابشات رادیو اکتیوشدند وسالیان جان کندندورنج بردند، تا آنگاه که مرگ به‌زندگی محنتبار آنها پایان داد.

درآنزمان خطرانفجار بمب هسته‌ای دنیا را تکان داد، افکارعمومی مردم جهان را منقلب کردوتمام محافل مترقی استفاده ازسلاح هسته‌ای راکه‌مستقیما جنایتی بودعلیه بشریت، محکوم‌کردند. فریاد اعتراض مردم دنیا ازاین عمل تبهکارانه درسراسرجهان طنین افکند وازهمان هنگام مسئلهٔ تحریم استفاده ازسلاح هسته‌ای دردستورروزتمام محافل ترقی‌خواه وبشردوست قرارگرفت. درسطح دولتها، اتحادشوروی ودیگرکشورهای سوسیالیستی برای تحریم کامل بکار گرفتن سلاح هسته‌ای، که‌درحقیقت مسئلهٔ مرگ وزندگی بشریت وتمدن آنرا مطرح میکرد، دست بتلاش گسترده‌ای زدند. آنگاه نخستین سازمان بین‌المللی‌برای جلوگیری ازجنگ وتلاش، برای قبولاندن تحریم‌سلاح هسته‌ای بوجودآمدوموردتائید وپشتیبانی کامل تمام‌محافل مترقی و جامعهٔ سوسیالیستی قرارگرفت.

ولی قدرتهای امپریالیستی ودراس آنها امپریالیسم امریکا که‌با اتکاء به این حربه‌ضدبشری داعیه‌جهانداری بر سرداشت ومست جنایتی بودکه‌میخواست آنرا وسیله‌ستانداردرمقیاس بین‌المللی قراردهد، نه‌تنها حاضربقبول هرگونه بستهای برای عدم تولیداین نوع سلاحهای ضدانسانی‌نشد، بلکه‌درصدد آزمایشهای نوین وتولیدسلاحهای هسته‌ای نوین برآمد. امپریالیسم امریکاباجاهدات بدون وقفه‌اتحادشوروی وتمامی جامعهٔ سوسیالیستی راناشی ازآن وانمودساخت که‌گویا آنها تصمیم دارندابن برگ برنده را ازدست "دنیای آزاد"، یعنی جهان سرمایه‌داری بسرکردگی امپریالیسم آمریکا بگیرندوزمینه‌را برای "تهاجمات" خودآماده‌سازند. حربه‌امپریالیسم‌امریکا ونقطهٔ مرکزی استدلال آن همچنان "خطر کمونیسم" بودودرحقیقت پرچمی که از دوش هیتلروفاشیسم‌آلمان برخاک افتاده بود، ازنوتوسط جانشینان امریکایی آنها برافراشته‌شد، با اطمینان به‌اینکه تولیداسلحه‌هسته‌ای برای اتحادشوروی، که‌بزرگترین ضربه را ازجنگ دوم‌جهانی دیده‌است، امکان‌پذیرنیست. اما آنگاه که‌تمام حسابها درباره‌ٔ ناتوانی اتحادشوروی درتولیدسلاح هسته‌ای غلط ازکاردرآمد، باردیگرفریادقدرتهای امپریالیستی بلندشدکه این بار "خطر سرخ" بااسلحه اتمی دنیا را تهدیدمیکند. ولی باردیگربیشتها دبرای محدودکردن وازبین بردن کلیه این سلاحها وتحریم تولید آنها ازطرف اتحادشوروی وسایر کشورهای سوسیالیستی، با پشتیبانی تمامی بشریت مترقی ازسرگرفته‌شد. ولی تمام این تلاشها با امتناع امپریالیسم امریکاوقدرتهای دیگرامپریالیستی برخوردکرد، که‌مدعی بودند "اگرازموضع قدرت" باکشورهای سوسیالیستی روبرو نشوند، دنیادچار "خطرسرخ" خواهدشد، وبااین سفسطه به‌تلاشهای تازه برای تولیداسلحه‌های نوین دست زدند. وهر بارکه‌خودرادراین تلاشها شکست خورده میدیدندوبا پیشنهادهای پیگیراتحاد شوروی وسایردولتهای سوسیالیستی و فشارافکارعمومی جهان، که‌خواستار نجات بشریت ازخطرانهدام‌بودند، برای محدودیت اسلحه‌های اتمی وایجادزمینه خلع سلاح عمومی مواجه میگردیدند، ناگزیرقدمی برای توافقهای محدود برای کاستن ازمسابقه‌های ویرانگر تسلیحاتی برداشتند، ولی بلافاصله با هزارراههانه‌وسفسطه‌درصددنقض تعهدات خودبرآمدند. دربرابرقدمی که‌بجلو برداشتند، دوقدم عقب رفتندوبروسعت دامنه‌مسابقه‌ی تسلیحاتی افزودند. کارتر، این نماینده‌سرسخت امپریالیسم امریکاومدافع منافع سوداگران مرگ آنچه‌درقوه‌داشت بکاربردوبهربهانه‌ئی که‌توانست زمینه‌هایی فراهم‌ساخت، تا سنای امریکا بتواندرراه‌تصویب سالت ۲ مشکلات متعددبوجودآورد.

کارتربه‌این حداکتفا نکرد. وی برای اینکه انحصارات امریکایی را ازخود راضی کند، دستورتولیدبمب نوترون را صادرکردکه "پاکیزه‌ترین" بمبها است کودک را نابودمیسازدوبازیچه‌اوراسالم باقی میگذارد. خبراین تصمیم تمام دنیا را تکان داد. صدای اعتراض ازتمام محافل مترقی وبشردوست جهان بلندشد، ولی کارترودارودسته‌اوهمچنان بر سرسختی ولجاج خودباقی مانده‌اند. ولی این سرسختی‌ها، ازتلاش محافلی که خواهان ابقای تمدن وتامین نیکبختی بشرورهایی بشریت ازخطرنابودکنندهٔ جنگ هسته‌ای هستند، نکاسته‌است. هر روزکه‌میگذرد، موج عظیمی ازاعتراض‌از گوشه‌ای ازجهان علیه این تصمیم در فضای بین‌المللی طنین افکن میشود. تردیدی نباید‌داشت که‌صلح برجنگ، بشریت بربربریت غلبه‌خواهدکردوامپریالیسم قادرنخواهدبودجهان رادرلهیب آتش جنگ هسته‌ای بسوزاند.

امروزبزرگترین وظیفه‌ای که‌دربرابر تمام‌مردم‌تحت ستم‌جهان قراردارد، مبارزه با برنامه‌تسلیحاتی قدرتهای امپریالیستی است. پیروزی صلح، یعنی پیروزی بر امپریالیسم، ومبارزه علیه‌امپریالیسم، کوتاه‌کردن دستهای جنایتکار آن از سلاحهای هسته‌ای وازبین بردن تمام ذخایراتمی جهان، پیروزی صلح جهانی راتامین میکند. واین بزرگترین ضربه برپیکرتمام نقشه‌های ضدبشری وامپریالیستی است.

مجلس

توضیح

دربعضی ازنسخه‌های صفحه ۵ شمارهٔ امروز، عکس مربوط به گزارش "درکورد حسین نفنی"، وارونه‌چاپ شده است که خوانندگان گرامی تطبیقا" متوجه این اشتباه شده‌اند. پوزش‌ما را بپذیرند.

رویدادهای جهان

افغانستان آماده همکاری اقتصادی با کلیه کشورهاست

محمدخان جلال، وزیربازرگانی افغانستان، درگفتگویی با خبرگزاری تاس گفت:

جمهوری افغانستان آماده‌است همکاری‌های اقتصادی خودرا با کلیهٔ کشورها گسترش دهد."

وی متذکرشدکه افغانستان بابسیاری ازکشورها ودردرجه‌اول با کشورهای سوسیالیستی وکشورهای درحال رشد و همچنین با یک عده ازکشورهای سرمایه‌داری دارای روابط حسنه‌است.

محمدخان جلال سپس گفت:

"بازرگانی کشوردرزیرکنترل ونظارت دولت است وبرطبق برنامه‌های ترقی اقتصادی کشورگسترش می‌یابد."

*

بیش ازنانزده‌هزارمبارزکره‌جنوبی در دادگاههای نظامی محاکمه‌خواهندشد

به‌گزارش "عفوبین‌المللی"، دولت سرسرده کرهٔ جنوبی اجازه‌نداده‌است که گروهی به‌نمایندگی ازاین سازمان برای بررسی سرکوب وشکنجه میهن‌پرستان آن کشور، به‌خاک کره‌جنوبی واردگردد.

بموجب آمار "عفوبین‌المللی" درقیام اخیرمردم این کشور، بیش ازهزار کره‌ای، بویژه درسئول وکوانجو، دستگیر شده‌اند.

آسوشیتدپرس، به‌نقل ازمقامات رسمی سئول، شماره‌دستگیرشدگان را ۱۶۶۰۰ گزارش داده‌است. قراراست که دستگیرشدگان دردادگاههای نظامی محاکمه شوند.

*

ادامهٔ تروربانده‌های فاشیستی در السالوادور

به‌اعتراف بلیس السالوادور، سه‌شنبه گذشته اجساد ۳۱ تن ازمیهن‌پرستان درسان سالوادوروحومهٔ آن پیدا شد، که‌بدست باندهای فاشیستی بقتل رسیده‌اند.

بموجب آمارمقامات کلیسای السالوادور ازاجرازحکومت نظامیان دربانیزسال گذشته تاکنون بیش ازچهارهزارتن در آن کشورکشته شده‌اند.

*

در جلسهٔ دیروز مجلس:

اعتبارنامهٔ حجت‌الاسلام نجف‌آبادی تصویب شد

جلسهٔ علنی دیروزمجلس شورای اسلامی درساعت ۱۰و۳۵ دقیقه به‌ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رسمیت یافت. پس ازقرائت گزارش کارهیئت رئیسه درباره‌ٔ تعداداعضاء کمیسیونها واظهار نظرعده‌ای ازنمایندگان نسبت به‌آن، طرح اعلام شده ازطرف هیئت رئیسه به رای گذاشته شدوباتفاق آراتصویب‌گردید. پس ازآن قراربودنسبت به‌طرح متغیر بودن تعداداعضاء کمیسیون، که‌باتید ۲ فوریت بیشنهاد شده‌بود، با حضورشورای نخبهان رای گیری شود. ولی ازآنجاکه طبق آئین نامهٔ داخلی مجلس، باید ۲۴ ساعت پس ازتوزیع طرح دوفوریتی رای گیری بعمل آیدو۲۴ ساعت هنوز سری نشده‌بود، اینکاربه‌روزبعدموکول شد.

آنگاه اعتبارنامهٔ حجت‌الاسلام امید نجف‌آبادی، نماینده‌ٔ اصفهان، که‌با مخالفت حیدری مواجه‌بود، مطرح شد و مخبرکمیسیون تحقیق اطلاع دادکه‌اعتبار نامهٔ وی با اکثریت آرادرکمیسیون به تصویب رسیده‌است.

سپس حیدری دلائل مخالفتش را بیان کردوازجمله‌تسمتهایی ازمصاحبهٔ حجت‌الاسلام امیدنجف‌آبادی را با روزنامهٔ جمهوری اسلامی خواند. دراین مصاحبه امیدنجف‌آبادی گفته بود:

"دراسلام بنظرمن اساس براینست که هرکسی باندازهٔ زمینی که میتواندبیل بزند، بایدمالک باشد."

وی همچنین نامهٔ آیت‌الله‌خادمی را به‌حضورامام خواند، که‌درآن گفته شده بود:

"امیدنجف‌آبادی درمصاحبه‌اش گفته است که‌ملک ازآن کسی است که‌بیل در دست اوست واین عین فکرکمونیستی است ... والبته منکرمالکیت خصوصی، منکر دین است."

آنگاه حجت‌الاسلام امیدنجف‌آبادی بدفاع ازخودپرداخت وازجمله گفت:

"من ابتدا قصدنداشتم ازخودم دفاع کنم. برای من مهم‌نیست که‌شما به‌من رای کبود (مخالف) بدهید یا رای سفید (موافق) البته‌نه‌اینکه رای سما ارزش ندارد، بلکه چون تاریخ به‌من رای سفیدخواهد داد. ناراحتی من ازاینست که کسی به من اعتراض کرده‌است که ازمغابرات بوشهرساکسازی شده‌است."

وی آنگاه به‌نامه‌ای که‌حیدری برای ساواک نوشته‌بودا شاره‌کردوگفت:

"اسم‌وی درلیستی مربوط به‌وابستگان ساواک درادارهٔ مخابرات بوشهربوده، ولی چون لیست را به‌اوسپرده‌بودند، اسم خودش راخط زده بودوسپس ازمراجعه به اسنادساواک، نام وی معلوم‌شده‌است."

وی سپس به‌افرادی مثل آیت‌الله لاهوتی وموسوی بجنوردی اشاره‌کردوگفت:

"اگراینها، که‌خودشان سالها در زندان بودند، به‌من اعتراض کرده‌بودند خوشحال میشدم، ولی کسی بمن اعتراض کرده‌است که‌حتی یکروزهم‌درزندان نبوده است."

حجت‌الاسلام امیدنجف‌آبادی، که مدتی هم حاکم شرع دادگاههای انقلاب دراصفهان بودودراین پست حکم اعدام میراشرافی معدوم راصادرکرد، دراشاره به‌همین مساله‌گفت:

"اساس کار، همین دادگاهها است. اگرمن به دادگاههای انقلاب نرفته بودم و۸۰ـ ۷۰ نفررا اعدام‌نکرده‌بودم‌و ۵۰۰ ـ۴۰۰ موردمصادره‌نکرده بودم، کسی به‌من کاری نداشت."

سپس حجت‌الاسلام مصادیخواه‌نیزدر دفاع ازاوسخن گفت وپس ازآن درمورد اعتبارنامهٔ حجت‌الاسلام امیدنجف‌آبادی رای گیری شدوبا ۱۱۷ رای موافق، در برابر ۳۱ رای مخالف و۳۵ رای ممتنع اعتبارنامهٔ وی به‌تصویب رسید

پس ازقرائت اسامی غائبین، حجت‌الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس، دستور کارروزبعدرا اعلام کردوگفت که‌قطب‌زاده فردا (امروز) برای پاسخگویی به‌سئوالات نمایندگان به‌مجلس خواهدآمد.

درحاشیهٔ مجلس

حجت‌الاسلام امیدنجف‌آبادی درپاسخ حیدری، که گفته‌بودوی درزندان به ساواک تعهدسپرده‌است، گفت:

"درسال ۵۰ که‌میخواستیم آزادبنویم، وآیت‌الله‌لاهوتی وآقای شبحونی (نماینده کرج) هم‌بودند، من به‌آقای شبحونی گفتم: اینها ازما تعهدمیخواهند، چکارکنیم؟ گفت: ای بابا، ما انقدرتعهدداده‌ایم که خط‌مان خوب شده‌است. تعهدبده‌برو بیرون کارت را بکن."

شبحونی نماینده‌ٔ کرج گفت: ما در تکنجه‌اش بوده‌ایم.

خلخالی گفت: این درباره‌ٔ خیلی‌ها هست. چرادرباره‌ٔ انواری نگفتید؟چرا درباره‌ٔ همسرا ولادی نگفتید؟

حجت‌الاسلام سیداحمدخمینی هم‌درجلسه دیروزدرجایگاه تماشاچیان حضورداشت.

توطئه‌های دولت بعثی...

بقیه‌ازصفحهٔ ۱

ایرانی و بازگرداندن آنها با مواد منفجرده‌به قصد خرابکاری و آدم‌کشی، موید خبر مربوط‌به تشدید اقدامات خرابکاری و تحریکات نظامی دولت بعثی عراق علیه انقلاب ایران است.

همهٔ این‌ها مقدمه و فراهم کردن زمینه مساعد برای پیاده‌کردن توطئهٔ مشترک و هم‌آهنگ امپریالیسم امریکا و دولت بعثی عراق با هدف برانداری نظام جمهوری اسلامی در ایران است.

وجود نیروهای ضدانقلاب ایرانی و بویژه تعداد کثیری از افسران گارد و ساواکی‌های فراری‌در عراق و استقرار ستاد عملیاتی گروه بالزبیان و اویسی در نواحی مرزی ایران و عراق و مسافرت‌های پی‌درپی شابور بختیار به بغداد، همه حاکی از فعالیت‌های متشکل و هم‌آهنگی است که با شرکت مستقیم دولت بعثی عراق و طبق دستورات و رهنمودهای کاخ سفید، وزارت دفاع و سازمان‌های جاسوسی امریکا علیه انقلاب و جمهوری‌اسلامی ایران انجام می‌گیرد.

ملاقات اشرف معلوم‌الحال با اویسی جلاد در مصر که بلافاصله پس از مرگ شاه مخلوع انجام‌گرفت گواه دیگر گسترش سکهٔ توطئه‌های نیروهای ضدانقلاب وهم‌آهنگی این فعالیت‌های توطئه‌گرانه با طرح مداخلهٔ نظامی امریکا و گسترش و تشدید اقدامات خرابکارانه و تجاوزهای مسلحانه نیروهای مسلح عراق درنواحی مرزی ایران و عراق است.

در طرح توطئهٔ جدید امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، عمده‌ترین نقش اجرای طرح رادولت بعثی عراق به عهده گرفته است، که علت آن، علاوه بر ماهیت ضدخلقی و ضدانقلابی رژیم بعثی حاکم بر این کشور، بیم از گسترش نفوذوتاثیر انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ایران است که می‌تواند پی‌آمدهای نامطلوبی برای رژیم‌دیکتاتوری حاکم بر عراق داشته باشد و سردمداران این رژیم را به سرنوشت رژیم جنایتکار پهلوی دچارسازد.

از نظر امپریالیسم امریکا، ماهیت رژیم بعثی در عراق و موقعیت جغرافیایی این‌کشور مساعدترین زمینه جهت پیاده‌کردن طرح‌های خرابکاری‌درداخل ایران و تضعیف و براندازی انقلاب ایران است. وجود مرزهای مشترک عراق و ایران، جهت‌تجاوزهای مسلحانه مستمر و تحمیل جنگ فرسایشی بر ایران، تمرکز بخش‌اعظم عناصر ضدانقلابی، به ویژه ارتشیان و ساواکی‌های فراری درعراق، امکانات فراوان نفوذ و رفت‌وآمد این عناصر و جاسوسان و عمال دولت بعثی عراق به مناطق مرزی ایران و اعزام گروه‌های تروریستی و خرابکار به داخل‌ایران همه این‌ها عوامل مساعدی را تشکیل می‌دهند که دولت بعثی عراق بتواند نقش اصلی و فعال را در این توطئهٔ جدید امپریالیسم امریکا بعهده‌بگیرد.

از سوی دیگر عملیات خرابکاری و تجاوزات مسلحانه عراق علیه ایران، در عین حال که می‌تواند تمام توجه و امکانات دفاعی جمهوری‌اسلامی ایران را روی درگیری‌های مرزی با عراق متمرکز سازد، برای اقدامات خرابکاری عناصر و نیروهای ضدانقلاب درون کشور امکانات و شرایط مساعدتری فراهم می‌سازد، و در صورتی‌که این درگیری‌های مسلحانه و جنگ فرسایشی تحمیلی عراق علیهٔ جمهوری اسلامی ایران به درگیری گسترده و همه‌جانبه، یعنی یک جنگ تمام عیار بین دو کشور تبدیل شود، امپریالیسم امریکا امکان‌خواهدیافت‌که شرکت واحدهای نظامی و پیاده کردن تفنگداران دریایی خود را در مناطق جنوب ایران، با درگیری مسلحانه همه‌جانبه عراق با ایران توجیه کند و از پی‌آوردها ودرگیری‌های بین‌المللی غیرقابل پیش‌بینی مداخله نظامی مستقیم خود علیه ایران برحذر باشد.

بدین ترتیب گسترش دامنهٔ توطئه‌وتحریکات، عملیات تخریبی و تجاوزات مسلحانه مرزی دولت بعثی عراق علیه ایران، برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، خطربست جدی، که مقامات‌مسئول جمهوری اسلامی ایران را به اتخاذ تدابیر قاطع، جلوگیری از تفرقه و تشتت نیروها و اتحاد و بسیج همهٔ نیروها و امکانات برای مقابله با توطئهٔ مشترک دولت بعث عراق و امپریالیسم آمریکا موظف می‌سازد.

نامهٔ مردم، ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران
دارندهٔ امتیاز و مدیر مسئول: منوچهربهزادی
خیابان ۱۶آذر، شمارهٔ ۶۸
محل دفترنامهٔ مردم
فعلاًدراشغال عناصرغیرمسئول است

www.iran-archive.com